

**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ**



همایش بین‌المللی

## بیداری اسلامی

بررسی تحولات اخیر کشورهای عربی - اسلامی

از شمال آفریقا تا خاورمیانه

بسترها، چالش‌ها، پیامدها

سه‌شنبه و چهارشنبه ۲۷ و ۲۸ دی ۱۳۹۰  
۱۷ و ۱۸ ژانویه ۲۰۱۲ م/ ۲۳ و ۲۴ صفر ۱۴۳۳ ق

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران  
الهیه، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، نبش چناران، شماره ۱۵



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از آغاز هجوم استعمار و استکبار جهانی به سرزمین های اسلامی و غلبه گام به گام آنها بر ممالک اسلامی از طریق اشغال، تأسیس حکومت های استبدادی، کودتای نظامی و فرهنگی، بیداری مسلمانان در مقابل این هجوم همه جانبه و خانمانسوز، آرزوی دلسوزان جوامع اسلامی بود. در همین راستا تلاش برای آگاه کردن مسلمانان نسبت به ظرفیت های خود و آموزه های دینی برای جهاد با کفار مهاجم مسئله ای ضروری بود که از سوی برخی رهبران دینی دنبال می شد. عکس العمل مراجع شیعه در برابر هجوم کفار ربه لیبی، بین النهرین و دیگر سرزمین های اسلامی و اعلان حکم جهاد برای سد تهاجم کفار توانست روند این تهاجم همه جانبه را کند نماید، اما دشمن با توان و برنامه های قوی و فراوان خود هر روز با ترفندی جدید وارد می شد. در کنار این حرکت، برخی دیگر نیز معتقد بودند که با تغییر رویکرد حکام و نخبگان می توان در مقابل استعمار ایستاد، غفلت اینان از عمق نفوذ استعمار در دربارهای حکام سرزمین های اسلامی و رویکرد استبدادی آن حکام در کنار کمرنگ کردن نقش مردم مسلمان باعث شد تمامی تلاش آنها برای اتحاد اسلام در راهروهای قصور حکام و سلاطین و نیز در پیچ و خم توطئه های دشمن ناکام بماند و با حسرت از پاشیدن بذر انقلاب در شوره زار سلطنت یاد نمایند.

دسته اي ديگر با ناديدن گرفتن اسلام و ظرفيت هاي رهايي بخش آن به سمت اندیشه هاي ناسيوناليستي رفته و با دميدن در شيپور عصبيت هاي قومي در مسير تضعيف امت اسلامي حرکت کردند و کاري از پيش نبردند .  
برخي ديگر با تمسک به مکاتب غيرالهي که با شعارهاي انقلابي به ميدان آمده بود گرفتار سوسياليسم و مارکسيسم شدند و با در نظر نگرفتن نقش ديانت و مردم مسلمان در سرزمين هاي اسلامي به قدرت هاي کمونيستي در جهان تکیه زدند و عملاً راه به جايي نبردند . از سوي ديگر دشمن غدار مسلمانان هر روز سنگر جديدي را فتح مي کرد و با سرکوب ارتش هاي عربي و تحميل خود بر منطقه بحث صلح با دولت هاي عربي را مطرح ساخت . طرح سازش کمپديويد ضربه مهلکي بود که بر کشورهای اسلامي وارد شد و در پي آن طرح سازش فهد و مذاکرات پنهاني دول عربي با رژيم نامشروع اسرائيل آسيب جانسوز ديگري بود که بر استقلال و عظمت و شرف مسلمين فرود آمد .  
در چنين شرايطي ملت مسلمان ايران با تکیه بر آموزه هاي ديني و تبعيت از مرجع و قائدي بزرگ حرکت بزرگ خود را آغاز کرد . خميني کبير كه ه هفده سال قبل از پيروزي انقلاب نسبت به تاراج هستي ملل مسلمان توسط استکبار و صهيونيسم هشدار داده بود ، در سال ۱۳۵۶ تحقق شعار و استراتژي از نييل تا فرات را به عينه مشاهده مي کرد، لذا انقلاب اسلامي از ابتدا با شعارهاي ضد استبدادي،  
ضداستکباري و ضدصهيونيستي خود ب راي

ناکام گذاشتن طرح نابودی ایران و سرزمین‌های اسلامی در چند جبهه به مقابله با توطئه‌های جبهه استکبار برخاست .

تکیه انقلاب اسلامی بر اسلام، مردم مسلمان و رهبری دینی باعث شد حرکتی عظیم شکل بگیرد که تا آن روز مشابه آن وجود نداشت . قیام به نام خدا و برای خدا اقیانوس امت اسلامی را که دچار رکود و رخوت شده بود برآشفته و حرکت مردم مسلمان ایران الگویی شد برای دیگر ملل مسلمان . اردوگاه دشمن به خوبی دریافت که در صورت سد نکردن راه انقلاب اسلامی، به زودی منطقه شاهد خیزش‌های مردم مسلمان خواهد بود . لذا از طرق مختلف تلاش کرد ابعاد و امواج بیداری اسلامی را در ایران محدود سازد . با توجه به مشترکات ملت‌های مسلمان و شرایط مشابه سیاسی و فرهنگی حاکم بر منطقه ترس آنها بیجا هم نبود . ملت‌های مسلمان منطقه از غلبه کفار و صهیونیست‌ها بر سرنوشت خود و احساس حقارت ناشی از آن ناراحت بودند، روش استبدادی حکومت‌ها، فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی، ضدیت رفتار حکام با اسلام و شریعت ، همگی حاکی از وجود زمینه متراکمی از نارضایتی در منطقه بود که هر لحظه می‌توانست به آتشفشانی خروشان بر علیه حکومت‌های استبدادی و سلطه‌گران بین‌المللی مبدل گردد . مقاومت جانانه مردم مسلمان ایران در مقابل تمامی تهاجمات ویرانگر دشمنان، تأسیس نظامی مردم سالار با رویکرد دینی که خلأ آن در منطقه کاملاً احساس می‌شد،

پیشرفت‌های علمی کشور در شرایط تحریم به مردم مسلمان منطقه در عمل نشان داد که راه غلبه بر سلطه استکبار و صهیونیسم تأسی به اسلام و آموزه‌های دینی و مشارکت گسترده مردمی است. با به بن بست رسیدن تفکرات لیبرالیستی، مارکسیستی، سوسیالیستی و... در منطقه یگانه راه موجود مردم سالاری دینی است که با تکیه بر آموزه‌های دینی می‌تواند ضمن احیای عظمت کشورهای اسلامی در مقابل سلطه بیگانگان بایستد و زمینه‌های احیای تمدن اسلامی را فراهم نماید. اکنون با گذشت یک سال از آغاز خیزش مردم مسلمان منطقه، هم‌اندیشی‌نخبگان کشورهای اسلامی می‌تواند ما را با تحولات رخ داده در طول یک سال گذشته و چشم انداز آینده تحولات منطقه آشنا سازد.

از این رو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران با فراهم کردن زمینه این هم‌اندیشی مفتخر است میزبان محققان جهان اسلام در روزهای بیست و هفتم و بیست و هشتم دیماه ۱۳۹۰ باشد، امید که این تلاش به نزدیک شدن دیدگاه‌ها و استفاده از تجربیات برای تحقق پیروزی هدفمند و تعیین راهکارهای مقابله با ترندهای دشمنان امت اسلامی سودمند افتد.

موسی فقیه‌حقانی  
دبیر همایش

## چالش‌های بیداری اسلامی

○ چواد منصورى  
معاون اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به سان معجزه‌ای می‌مانست که منطقه را تکان داد و امواج آن جای جای جهان را در نوردید. در پی وقوع این رخداد بی‌بدیل، مقوله «صدور انقلاب» موضوعی بود که مرتبط با رسالت اسلامی مورد بحث و توجه قرار گرفت. هرچند دشمنان و مخالفان این موضوع و حرکت را محکوم و تحقق و عینیت بخشیدن بدان را در وضعیت موجود بین‌المللی ناممکن می‌پنداشتند.

- سرعت وقوع تحولات، ناکامی، شکست و عقیم ماندن بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌ها -
- های نظام مسلط به منظور شکل‌گیری خاورمیانه جدید، و از طرف دیگر ارائه الگوی نوین و برتر از انقلاب و نظام نوین سیاسی از سوی ایران، انفجار عظیم، ناگهانی، غیرمنتظره و بسیار با اهمیت را در این منطقه و شمال آفریقا همراه داشت.

آنچه در کشورهای اسلامی به‌گونه‌ای عام و در ممالک عربی و خاورمیانه به شکل خاص در خلال یک سال اخیر به وقوع پیوست، در واقع از منظری ریشه در چندین دهه ستم، فساد، تبعیض، وابستگی دارد که ناگاه به مثابه جنبش ظهور یافته است. این طغیان و عصی ان گسترده

عمومی و قیام همگانی مردمی برضد حاکمیت و سلطه جابرانه و ظالمانه غرب را برخی «بهار عربی»، عده ای «بیداری انسانی»، و شماری «شورشگری و غیرهدفمند» پنداشتند؛ حال آن که به باور محققان و تحلیلگران منصف این نهضت جز دفاع از هویت دینی، استقلال، آزادی و ایس تادگی و مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان و قطع سلطه کفار چیز دیگری نیست، از این رو می‌بایست اذعان داشت که «بیداری اسلامی» جلوه‌گر شده است و این موضوع بسیار مهم و حائز بسی اهمیت است. مهم‌ترین چالش‌های فرا روی «بیداری اسلامی» را می‌توان این‌سان برشمرد:

- ضعف رهبری و وحدت فرماندهی؛
- اختلاف افکنی و فتنه انگیزی قومی، مذهبی و یا ملی؛
- تسلط غرب‌گرایان و تفکرات سکولاریستی؛
- زمانبری و طولانی شدن فرآیند مبارزاتی؛
- وابستگی دولتهای جدید به اقتصاد و امنیت نظام سلطه غرب.

که این همه چه بسا بسترساز ایجاد محدودیت و کنده حرکت این جریان بزرگ و تأثیرگذار باشد.

## اصلاح ساختار گفتمان اسلامی

○ حسن بغدادی\*  
عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان

اسلامی کردن معرفت یک ضرورت است و با این رویکرد می‌توان تناقض موجود میان واقعیت‌های عینی و امیدهای تمدنی و آنچه این امید را از رهگذر ر و یارویی با چالش‌ها به بلوغ می‌رساند به درستی مطرح نظر قرار داد؛ و در این راه اصلاح تفکر مقدمه لازم برای امر واجب است. با وجود تکاپوی شایسته تحسین اصلاحگران اسلامی در سده نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم، دستاوردهای به دست آمده ناچیز است. همی، تحول کیفی (دگردیسی) متأثر از آن کوشش‌های فداکارانه حاصل نشده است، چرا که جنبش پیشگفته در درک ابعاد مختلف بحران و ارائه راهکارهای قوی برای خروج از آن عاجز ماند. از این رو طلایه داران اصلاحگری هم و غم خود را معطوف جنبه‌های ظاهری بحران کردند هرچند این فهم و خدمت حسنه خدشه‌پذیر نیست و با توجه به فضا و وضعیت آن برهه ستودنی است اما آن رستاخیزی که ضرورت تحول آفرینی انسانی را می‌طلبید در نیمه دوم سده گذشته رقم خورد. رویکرد اسلام محوری و امت محوری جایگاه

---

\* روحانی و عضو جمع علمایی.

خود را بار دگر با اصلاحات اسلامی به دست آورد . راهبران فکری و سیاسی مدت‌هاست دریافتند که تمدن معاصر غربی و سقف فکری و معرفتی آن توأمان در بن بست گرفتار آمده است . نه مدرنیته و نه پست مدرنیسم، که اولی دین و دنیا و طبیعت را از یکدیگر جدا کرده و دومی که به جداسازی ذات انسان نظر دارد نه تنها رافع بحران بشر متمدن نشدند که به کثرت دغدغه‌ها و پیچیدگی بحران افزودند . گذشت زمان اثبات‌کننده آن بود که عقب ماندگی‌ها تنها با بازگشت به قرآن و توسل و توکل به مفاهم رهاییبخش آن امکان‌پذیر است .

گفتمان اسلامی توجه لازم به مبارزه و بسیج نیروها معطوف کرد و این به وضعیت دوران کشمکش میان امت اسلامی و دشمنان آن بازمی‌گردد . در این روند حفظ باورها و بسیج امت در عرصه‌های سیاسی نیاز مبرم و ضرورت اساسی است .

در این میدان هستند کسانی که باور دارند مقوله معرفت، دینی نیست و فکر و فرهنگ، بی‌دین و خاستگاه است، و این که فرهنگ امروز غرب جهانشمول است و تبعیت از آن الزامی است و . . . . که تجویزکننده نسخه نوآوری، ابتکار و اجتهاد نزد مسلمانان بوده است .

دنیای عربی و کشورهای مسلمان از ابتدای سده گذشته شاهد به عرصه آوردن صورتبندی جدیدی از اسلام بوده است .

ظهور اندیشمندان مسلمان مبارز در

گستره‌های مختلف این جغرافیا و نقشی که در آگاهی بخشی و تنویر افکار عمومی ایفا کردند حائز اهمیت است . تجدید اندیشه از رهگذر احیای ارزش های منسی (فراموش شده) ، به صیقل خوردن گفتمان و پویایی آن کمک شایانی کرد . نشانه‌گذاری در هدفمندی، پالایش اندیشه از خرافات و ناب کردن آن، تغییر رویه و روش و به روز کردن آن، تقویت مبانی علمی و معرفتی، الهام گرفتن از فرهنگ و تمدن و میراث جاودان اسلامی که انسان ساز، جهت‌دار و تحول آفرین است، کارکرد بر روی نخبگان، و بالاخره باور به برپایی حکومت بر اساس نظام مردمسالاری دینی (اسلامی) و توجه به این نکته عقلی که حاکم صالح مرجع بر ناصالح است و تکیه بر ولایت فقیه، همگی مسئولیت های جدیدی را همراه با افق های نو فراروی مسلمانان گشود.

امام خمینی (قدس سره) جامع جمیع توانمندی‌هایی بود که جهان اسلام بدان نیاز داشت . در روزگار غربت و مهجوریت اسلام بانگ احیای آن را طنین افکند .

استعمارگران و مستبدان از این گونه  
 - اسلام در هراسند و صدور آن را بر نمی  
 تابند. آن فقید عزیز که نامش و یادش و  
 راهش هرگز فراموش نمی شود سخن از اسلام  
 آمریکایی بر زبان آورد و این اسلام نه  
 تنها تهدید کننده منافع آنان نیست که  
 تضمین گر سرمایه گذاری ها و طرح و  
 برنامه های منطقه ای آنان محبوب می شود.  
 فرزندان امام خمینی در مقاومت اسلامی  
 لبنان راهروان اسلام جهادی با باور  
 عمیق و ایمان قوی و قلب مطمئن و  
 - ملامت از عشق الهی موفق به شکست بزرگ  
 ترین ارتش خاورمیانه شدند و دوران  
 شکست را به عصر پیروزی تغییر دادند .  
 بیداری اسلامی در کشورهای عربی با جهت  
 گیری ضد استبدادی، ضد عیاشی و  
 خوشگذرانی و چوب حراج زدن به ذخایر  
 مسلمانان، و ضد استکبار جهانی و  
 منطقه ای، سرآغاز راه است. این بیداری  
 چنان که امام خامنه ای (مدظله العالی)  
 پیشبینی فرمود تا قلب اروپا و آمریکا  
 را در نوردید و عرش قدرت های بزرگ را

به لرزه درآورد و باور به نصرت  
مستضعفین را تقویت نمود . .

## انگیزه‌های انقلاب در بحرین

○ حسن عبدالله\*  
محقق و نویسنده بحرینی

بحرین از کشورهای ثروتمند خلیج [فارس] است. وضع معیشتی مردم از لحاظ اقتصادی در سطح قابل قبول است. آزادی ظاهری، رفاه، آرامش، آسایش در آن وجود دارد. پس انگیزه این جنبش اجتماعی اصلاحگرا یا قیام بر ضد نظام حاکم چیست؟! پاسخ به این پرسش هم سهل و هم دشوار است و شرح مبسوطی می‌طلبد، اما می‌توان در جواب به این سؤال اظهار داشت: ما برای افزایش درآمد مالی و دستیابی به مناصب دولتی، قیام نکردیم، بلکه برای نیل به عزت و کرامت بدون منت و ترحم سر به شورش نهادیم. پروردگار، ما را نه بنده و برده بلکه آزاد آفرید. این انگیزه قوی در نهضت مردم بحرین است و به رغم تمامی فشارهای داخلی و خارجی، هرگز حتی یک گام رو به عقب نخواهیم نهاد. افکار عمومی ملت‌های منطقه و جهان از اوضاع و احوال بحرین بی‌خبرند. ثروت‌های این سرزمین غنی سال‌هاست در معرض تاراج و غارت استعمار و ایادی حاکم داخلی آنها قرار گرفته است. ۷۰ درصد زمین در بحرین

---

\* روحانی، استاد حوزه علمیه.

ملك طلق خاندان سلطنتي و مقرَبان آنان  
است. فساد مالي و اداري در اين جزيره  
بيداد مي كند. در سال هاي اخير برخي  
كاركردهاي رژيم غاصب حاكم بر شدت و  
دامنه نارضايتي و اعتراض هاي مردمی افزود  
كه به طور موجز موارد ذيل الذكر برشمرده  
مي شود:

— تبديل و جابجايي مردم محلي (بومي)  
با مردم وارداتي! بازداشت، تبعيد و  
اخراج برخي هموطنان بر اثر گرايش هاي  
طايفي و دادن تابعيت به خارجيان  
هم مسلك دولتيان.

— تبعيض طايفي در تمامي ساختار  
اداري نظام. حكامرانان مستبد زورگو به  
اكثريت هموطنان بحريني به دید شهروند  
درجه دوم مي نگرند. حقوق اكثريت مردم  
پايمال و بازيچه دست شيوخ نفت و دلار و  
اعوان خوشگذران آنان است.

— به رغم ذخائر انرژي اين سرزمين،  
فقر و بيكاري در اوج قرار دارد.  
اولويت در كار با اجني است.

— فقدان چرخه و گردش قدرت و  
بي اعتنايي كامل به حق رأي و نقش مردم

در انتخاب کارگزاران و نگاه تحقیرآمیز  
به شهروندان، و . . . .

هر چند ناگفته نماند میان انقلاب در  
بحرین و دیگر انقلاب های عربی تفاوت هایی  
وجود دارد که به اختصار به ذکر برخی  
موارد بنیادی بسنده می شود:

— در مصر، بر اثر قیام و تظاهرات  
۱۵ درصد مردم، رژیم نامبارک سرنگون شد،  
حال آن که ۷۰ درصد مردم بحرین زیر  
شدیدترین فشارهای امنیتی، آزار و اذیت،  
دستگیری، شکنجه، قتل، قرار دارند.

— تبعیض آشکاری که رس آنه های خبری  
غربی و عربی بر اساس منافع و مصالح شان  
در پوشش خبری و انعکاس وقایع بحرین به  
کار می برند، تو گویی ملت بحرین  
«مستعرب» و غیرمسلمان است و ملل آنها  
عرب و مسلمانند.

— ۹۰ درصد ارتش بحرین وارداتی است  
تا سیاست سرکوب به خوبی به اجرا درآید  
و به بحرینیان، بی دغدغه شلیک شود. چنین  
نمونه ای را در کدامین کشور سراغ دارید؟! —  
رژیم حاکم، معترضان را طایفی گرا و  
عوامل بیگانه معرفی می کند. به نظر

می‌رسد هر ملي حق تعیین سرنوشت خود را دارد به استثنای مردم بحرین .  
— در هیچ‌یک از کشورهای عربی که ملت مبادرت به عصیان و انقلاب کرد از قوای مسلح کشورهای خارجی و بیگانه برای سرکوب و کشتار تظاهرکنندگان مسالمت جو که در پی احقاق حق خود بودند، درخواست کمک نشد و مملکت به اشغال آنان در نیامد .

— در انقلاب‌های عربی دیده و شنیده نشد که رژیم حاکم مبادرت به هتک حرمت مکان‌های مقدس، مساجد و حسینیه‌ها کرده باشد و در موارد متعددی قرآن‌ها به آتش کشیده شد و قبور متوفیان و شهدا نبش شده باشد!

— حمله به مردم با مزدورانی که از خارج آورده شده و به آنان تابعیت بحرینی داده شده، تعرض به خانه‌های مردم در نیمه شب، قتل کودکان و بزرگان با گاز شک‌آور و ... ده‌ها و صدها اقدام سبعانه و جنایتکارانه تنها بخشی از آن چیزی است که در بحرین جریان دارد .

## جنبش‌های مردمی و چشم‌انداز آینده علل، مؤلفه‌ها، نتایج

○ حامد حسن  
سفیر سوریه در ایران

سال ۲۰۱۱ شاهد جنبش‌های مردمی فراگیری در کشورهای عربی بوده که منجر به تحولاتی در کشورهای تونس، مصر و لیبی گردید. تحلیل‌گران در تجزیه و تحلیل این تحولات اختلاف نظر دارند، برخی از آنان اظهار داشتند که این تحولات عمیق و ریشه‌ای و فراگیر و در سطح یک انقلاب بوده است. و برخی دیگر از آنان بر این اعتقادند که این تحولات به عنوان طرحی برای یک انقلاب بوده که تاکنون ناتمام مانده و به سرانجام خود نرسیده است، زیرا این تحولات منجر به تخییر مهره‌ها گردید لیکن رژیم‌ها تاکنون پا برجا مانده‌اند، آنان تداوم این جنبش را پس از ایجاد تحول به رغم اشکالات و موانع گوناگون دلیل دیگری بر ادعای خود می‌دانند. به هر حال این یک مرحله گذرا است که هنوز به پایداری و ثبات نرسیده است و شاید تحولات دیگر نیز در راه باشد. هرچند تحلیل‌گران در ارزیابی و توصیف آنچه که اتفاق افتاده است اختلاف نظر دارند، اما در خصوص علل، مؤلفه‌ها، و افق آتی و موقعیت این تحولات در کشمکش با جبهه و طیف رژیم صهیونیستی، امپریالیسم آمریکا و

همپیمانان عربی و نقش آن در ادامه نبرد آزادی‌بخش به ویژه آزادی قدس شریف و نفی هرگونه سلطه‌گری، تجاوزکاری، اشغالگری و دخالت‌های بیگانه، اختلاف‌نظر دارند.

در اینجا ضروری است به شرایط منطقه - ای و بین‌المللی که این تحولات در سایه آن اتفاق افتاده است و کوشش نیروهای خارجی به منظور مهار این تحولات و منحرف نمودن آن از مسیر طبیعی خود و تلاش به منظور جلوگیری از به سرانجام رسیدن این تحولات و رسیدن ملتهای این کشورها به ساحل امنیت و آرامش اشاره نمایم، و یاد آور شویم که وضعیت هر کشور با کشور دیگر متفاوت است. هرکشوری دارای شرایط ویژه خود می‌باشد، هر چند نگاه همه جانبه به آنچه تاکنون اتفاق افتاده است و می‌افتد نشان‌دهنده آن است که دو طرح مطمح توجه است:

۱. طرح امریکایی، غربی، اسرائیلی، که هواداران، همپیمانان و دست‌نشانگانی در منطقه دارد و پایه های آن بر اشغالگری، تجاوزکاری و سلطه طلبی و چنگ اندازی بر ثروت های طبیعی ملت ها و سرنوشت آنان شکل گرفته و محروم ساختن ملت ها از حاکمیت استوار است.

تئوریسین‌های این طرح جنگ‌های زیادی را به راه انداخته و تجاوزات بی شماری را تدارک دیدند، همچون جنگ علیه عراق و افغانستان، و حمله به لبنان در سال ۲۰۰۶ و تجاوز به غزه در سال ۲۰۰۸.

۲. طرح و برنامه‌ای که در برابر این طرح برخاسته که نام «مقاومت» را بر

آن می‌نهییم . تز ایستادگی، رشادت و تسلیم ناپذیری و عدم باج دهی به بیگانگان و ایادی آنها در منطقه که به مثابه اهرم فشار عمل می‌کنند.

طرفداران این طرح بر حق خود مبنی بر مقاومت در برابر تجاوز و اشغال اجانب پایبند بوده، همچنین به تصمیم‌گیری مستقل ملی و حاکمیت ملی و آزادی خواهی و نفی دخالت‌های خارجی در امور منطقه پایبند می‌باشند.

طبیعی است این جنبش‌های مردمی در کشورهایی که با طرح غربی همگام و همراه بوده، آغاز گردید، زیرا مردمان این کشورها با موضعگیری‌های نخبگان حاکم مخالفت می‌ورزیدند چنان که طبیعی بود جمهوری اسلامی ایران که طلایه دار «بیداری اسلامی» در مقابله با نیروهای استکبار جهانی به شمار می‌آید در کنار سوری ه که پایبند موضعگیری ملی مستقل و راه مقاومت است، این طرح را نمایندگی کند .

جبهه استکبار سنگ بنای تکاپوی تفرقه افکنانه خود را بر اساس توطئه‌گری علیه سوریه متمرکز کرد و جنگ سیاسی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و امنیتی گسترده‌ای علیه آن آغاز نمود و باندهای تروریستی و گروه‌های ارهابی و تکفیری جهت ناامن کردن کشور سوریه و آسیب رساندن به ثبات آن، با پول و سلاح تجهیز شدند . در این برهه ضروری است به تلاش زایدالوصف آنان جهت سوء استفاده از برخی گروه‌های تروریستی و تکفیری به منظور ضربه زدن به وحدت ملی کشور و تحقق اهداف مشکوک

سازمان القاعده و سازمان های افراطی و تکفیری توجه کافی صورت گیرد . به طور کلی پایداری ملت های منطقه و اصرار آنان مبنی بر مقابله با نقشه های صهیونیستی و استکباری و یکپارچگی نیروهای مقاومت در ناکام ساختن این نقشه ها نقش بسزایی ایفا کرده است، به طوری که نیروهای اشغالگر آمریکایی از عراق بیرون رفتند و تجاوز اسرائیل به لبنان و غزه ناکام ماند، غرب استعمارگر هم اکنون با بحران های پیایی اقتصادی مواجه است و ملت های غربی به صورت آشکار به منظور به دست آوردن ابتدایی ترین حقوق اقتصادی سیاسی و انسانی خود که از آن محروم گردیده اند با سیاست های امپریالیستی برخاسته اند و شروع به حرکت نموده اند.

همه آنچه که گفته شد به رغم منش سلطه - گری صهیونیزم و غرب و آمریکا بر علیه ملت ها و کشورهای منطقه، به ما نوید آینده ای روشن را می دهد، آینده ای که از آن ملت هاست.

## بیداری اسلامی و مقاومت فلسطین

○ خالد قدومی\*  
نماینده جنبش حماس در ایران

از اوائل سده گذشته جنبش اسلامی در فلسطین مقاومت خود را در برابر استعمارگران آغاز کرد . مقاومتی در ابعاد اجتماعی، امنیتی و نظامی که به مرور زمان به لحاظ کمی و کیفی به لطف الهی و عزم جوانان و بهره‌وری از تجربه‌های بزرگان گسترش یافت .

جنبش مقاومت اسلامی حماس در موقعیتی متولد شد که هویت ملی مسخ و مفاهیمی مانند مبارزه و جهاد رو به افول نهاده بود و انقلاب فلسطین و آرمان‌هایش در حال فراموشی بود و مسئله فلسطین بر اثر سیاست‌های غلط برخی رهبران آن به انحراف کشیده شده بود . سیاست بر زمین نهادن سلاح و در عوض، مذاکره و گفت‌وگو برای اداره نیمی از کشور، یا ثلث، یا ربع آن مورد توجه قرار گرفت . از این پس مسئله فلسطین به مثابه یک پرونده روی میز مجامع بین‌المللی دست به دست چرخید بدون این‌که دستاوردی حاصل شود . مبارزان گذشته، خوی انقلابی خود را فراموش کردند . آنان بنیه نظامی خود را با آنچه رژیم صهیونیستی در اختیار داشت مقایسه می‌کردند . در حالی که

---

\* ممثل حركة المقاومة الإسلامية «حماس» في إيران .

توانایی رزمندة فلسطین با سرباز معمولی در ارتش متفاوت است و او به قدرت کَر و فَر و میزان هراسی که در دل دشمن می‌افکند می‌بالد.

مقاومت اسلامی در فلسطین در نیمه دهه هشتاد سده بیستم کار خود را در صحنه‌های اجتماعی و خدمات‌رسانی و حوزه - های زیربنایی آموزش، بهداشت، رسیدگی به فرزندان و خانواده‌های شهدا و اسیران، با صحت و سلامت و به دور از غل و غش و تبلیغات فریبنده، آغاز کرد و در نتیجه موفق به تقویت پایگاه مردمی شد .

مقاومت اسلامی در این راه شمار قابل‌توجهی از رهبران و فرزندان رهبران خود را در راه جهاد از دست داد و اکنون نبض حرکت فلسطین را در اختیار دارد، چرا که با انجام عملیات استشهادی خسارت سنگینی را بر بدنه رژیم صهیونیستی وارد آورد و آنگاه که مبادرت به تولید موشک و شلیک آن به شهرک‌های اسرائیلی نمود باعث شگفتی همگان شد. موشک‌هایی که برد آن ۷ تا ۴۵ کیلومتر است و به راحتی نیروگاه های برق و پایگاه‌های هوایی رژیم را نشانه گرفت. از منظر سیاسی، گفتمان برگزیده و معقولی که مقاومت انتخاب کرد مورد قبول فلسطینی‌ان، اعراب، مسلمانان و افکار عمومی جهان قرار گرفت و اعتماد مردم را به دست آورد . پیروزی شکوهمند حماس در انتخابات سال ۲۰۰۶، غلبه مقاومت و جهاد بر سازشکاری بود، هر چند ره آورد این فتح و ظفر خجسته محاصره

ملتی بود که به فرزندان مقاومت رأی داد. صهیونیست ها با پشت یبانی آمریکایی‌ها تلاش زیادی برای ساقط کردن حکومت برآمده از رأی مردم و نظام مردمسالاری بکار بستند. آنها همه شیوه‌ها را آزمودند و از جمله تحمیل جنگ نابرابر در اواخر سال ۲۰۰۸ و اوائل ۲۰۰۹ که طی آن انواع سلاح‌های کشتار جمعی که از سوی نهادهای بین‌المللی به کار گیری آن ممنوع بود را به خدمت گرفتند لیک ایستادگی سرفرازانه ملت قهرمان فلسطین طی ۲۲ روز نبرد در غزه، مقاومت اسلامی را نه تنها تضعیف نکرد که حیات آن را بیمه ساخت و پس از جنگ و امروزه این مقاومت بیش از هر زمان دیگری قدرتمند است و آماده پیکار با رژیم تا بن دندان مسلح صهیونیستی و ستاندن حقوق حقه فلسطینیان می‌باشد.

حماس، شناسایی رژیم صهیونیستی را خط قرمز استراتژی خود قرار داد. احدی حق تجدیدنظر در این حوزه را ندارد. این آرمان، محلی برای بحث و چانه زنی نیست و جزو اصول ثابت مقاومت اسلامی فلسطین است؛ همچنین حق بازگشت آوارگان، و البته صرفنظر از این دو، در بخش‌های دیگر می‌توان به گفت و گو و مذاکره پرداخت. در این مدت مقاومت موفق شد امید را در دل فلسطینیان زنده کند و آرمان‌های گرد و خاک گرفته و به فراموشی سپرده شده را احیا نماید.

امروزه مشی مقبول و مشروع مقاومت در افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی و

حتی در میان بسیاری از سران این دولت -  
ها پذیرفتنی تر از تداوم رویه مذاکرات  
بیهوده، خسته کننده و یأس آور است.  
در این حال، انقلاب های عربی واقع شد .  
قیام ملت هایی که از ظلم و جور  
دیکتاتوری به ستوه آمدند . حاکمانی که  
ادامه و دنباله استعمار انگلیس،  
فرانسه و ایتالیا بودند و بر مقدرات و  
ذخائر اعراب مسلمان چنگ انداخته، آن  
را غارت و در اختیار سردمداران اجنبی  
قرار می دادند . بی تردید سزاوار است به  
این انقلاب ها اطلاق انقلاب شود و همه  
خصوصیات انقلاب را در خود داشت . جالب  
آن که در تمامی این خ یزش ها هویت اسلامی  
مشاهده و با همه وجود احساس می شود .  
بسیار امیدواریم که بر اثر آنچه  
رخ داده است، اقدامات مؤثر و گام های  
بلند و محکمی به منظور آزادی قدس  
برداشته شود .

## دومینوی سقوط راهبران عرب

○ حسین رویوران  
معاون سیاسی جمعیت دفاع از ملت فلسطین

شکی نیست که بیداری اسلامی پدیده سیاسی جدیدی است که تحولات گسترده ای در داخل ساختارهای دولت های عربی در شمال آفریقا و خاورمیانه و روابط خارجی آنها پدید آورده است . مهم ترین عنصر دگرگون ساز در این فرآیند تحول گسترده در باورهای سیاسی جوامع است که ذهنیت «عدم امکان تغییر» به باور جدید «امکان تغییر» دگرگون شده است . این دگرگونی در نتیجه حوادث بزرگ منطقه ای در دو دهه اخیر است که نظرگاه های قبلی را به چالش کشید و آن را تغییر داد . انتفاضه اول و دوم مردم فلسطین نشان داد حتی در شرایط اشغال و خفقان دشمنی همچون رژیم صهیونیستی می توان دست به اعتراض زد . موفقیت حزب الله لبنان در بیرون راندن رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان نیز تحول مهمی است که برداشت های رایج درباره شکست ناپذیری رژیم صهیونیستی را به چالش کشید . جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ نقطه عطف سیاسی بود که نشان داد با ایستادگی و نوآوری می توان رژیم صهیونیستی را شکست داد . جنگ ۲۲ روزه غزه نیز این مقوله را یکبار دیگر به اثبات رساند .

شکست امریکا در عراق و شکست اسرائیل در لبنان و غزه این پرسش را در سطح جوامع منطقه مطرح کرد که اگر ابرقدرت جهان و منطقه شکست پذیر هستند چرا رهبران آنها شکست پذیر نباشن د؟ تحولات بیداری زیر سقف قاعده دومینو جریان دارد و این نشان می دهد که تحول در باورهای جوامع منطقه صورت گرفته که مرز جغرافیایی نمی شناسند . البته این مدل از قیام با چارچوب های کلاسیکی متفاوت است. هم در سطح رهبری و شکل های سیاسی پیشرو و حتی در چارچوب ایدئولوژی حاکم است . و چون تضاد این فرآیند بر ضد استبداد داخل و اتحاد و ائتلاف با قدرت های سلطه گر جهانی و اسرائیل است و به همین علت می توان گفت که قیام فعلی نوعی بازگشت به خویشن و کاهش ارتباط با خارج است . مهم ترین مؤلفه سبد ارزشی جوامع منطقه اسلام است و به همین علت می توان این قیام ها را بیداری اسلامی نامید هرچند که این مقوله به معنای حکومت اسلامی نیست .

## آینده بیداری اسلامی در جهان عرب

○ محمد رمضان  
استاد حوزه علمیه در منامه

به اعتقاد راقم این سطور، بیداری اسلامی به مثابه نهضت و جنبش، نیاز و ضرورت است که سرنوشت اعراب و مسلمانان را متحول خواهد کرد. این هوشیاری فکری، سیاسی، اجتماعی، دارای مؤلفه های چندی است که به اختصار بدان اشاره می - شود.

۱. وعده الهی که متکی به نص صریح قرآنی است «ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم» رخدادهای مهم تاریخی همچون نبردهای «بدر» و «احزاب»، واقعه «عاشورا»، وقوع انقلاب اسلامی در ایران آن هم در برهه ای که ایران شاهنشاهی جزیره ثبات خوانده می شد، همگی گواه این نصرت است. پیروزی ملت مسلمان عراق، مقاومت پیروز و غرورانگیز اسلامی در لبنان و غزه و در برهه اخیر در بحرین، یمن، و سعودی جلوه های در امتداد دیگری از همین رویارویی است.
۲. تاریخ، صحنه نمایش حق و باطل است. ملل منطقه برای جبران عقب ماندگی

خود متوسل به مکاتب مختلف فکری و مسلک های سیاسی شدند . قومیه ، اشتراکیه ، شوعیه ، و . . . هیچیک موفق به خروج از بن بست و بحران نشدند . عزت و سربلندی مسلمانان در تم سک و توسل آنها به شریعت است و «اسلام» تنها راه رهایی است . از این رو عنصر ایدئولوژیک به حرکت های سیاسی - اجتماعی ممزوج شد و ما سالهاست شاهد اقبال عمومی به اسلام هستیم .

۳ . قیام و نهضت مردم بحرین با شعار «اخوان سنه و شیعه ، هذا البلد منبوعه» یک نشانه گذاری برجسته در رویکرد به اسلام ، اجتناب از طایفه - گری و پرهیز از اختلافات مذهبی ، و عشق وافر به آب و خاک و سرزمین آباء و اجدادی را به نمایش نهاد . هرچند رژیم قبيله ای آلخلیفه تمام سعی و توان خود را برای فتنه انگیزی و ایجاد درگیری قومی و طایفه ای بکار گرفت تا مانع پیشبرد این حرکت شود و با دعوت از قوای مسلح یک کشور خارجی درصدد قلع و قمع حرکت مسالمت آمیز مردم برآمد که به لطف خدا در این راه ناکام

ماند . استراتژی انقلابیان در این  
بزنگاه حساس «مقاومت فعال» است.  
۴ . اتکال به مؤلفه های پیشگفته بر  
اراده مصمم ، رشادت، فداکاری ، ثبات،  
عزم و ایستادگی بر تغییر را می بایست  
افزود . سرنوشت هر قومی به اهتمام  
خودشان رقم می خورد، برخی جنبش ها زودتر  
بر سر منزل مقصود می رسند و شماری حرکت -  
شان آرام و تدریجی است . نوع رفتار  
رسانه ها و کشورهای عربی با قیام ملت  
مظلوم بحرین نشان دهنده تبعیض غیرقا بل  
قبول آنان است . مدعیان حقوق بشر و  
نهادهای مدنی غربی در برابر سرکوب  
وحشیانه و قلع و قمع گسترده ملتی که  
کمترین سهم و مشارکت را در تعیین سرنوشت  
خود دارند، سکوت اختیار کرده اند چرا که  
اینجا نفت و دلار است و شیوخ گوش به فرمان  
و پایگاه های نظامی که در اختیارشان قرار  
گرفته است و البته اکثریت قاطع ملتی که  
بزرگترین گناهشان تشیع شان است.

## بازشناسی موانع دوران تبدیل نهضت های دینی به نظام سیاسی

○ مصیب نعیمی  
مدیر مسئول روزنامه الوفاق

جنبش بیداری اسلامی دوران دشوارگذار از رژیم های دیکتاتوری به نظامی مردمی را طی می کند. رهبران و نیروهای پیشبرنده جنبشها بر حسب شرایط زمانی و مکانی انقلابشان با موانع، تنگناها و محدودیت هایی روبه رو شده اند. در گستره اغلب کشورهای عربی و اسلامی، خانواده عظیم انقلاب در تدارک امر مهم تبدیل «نهضت به نظام سیاسی» بوده و در پله اول از فرایند چند مرحله ای «دولت سازی» قرار دارند. در کشورهایی که با این انقلاب همراه شده اند، بازگرداندن اعتماد مردم به حکومت مسئله اصلی است. دغدغه مشترک اغلب رهبران و نخبگان انقلاب ها این است که در این برهه چگونه اصول «مشروعیت و مشارکت» را به عنوان گمشده های تاریخ سیاسی عرب نهادینه کنند.

انقلاب ها، یکی از موانع دشوار در مسیر تحول جوامع عرب را که شکاف میان زمامداران و مردم بوده، مورد بحث و نظر و البته بهبود قرار داده اند، اما این فاصله هراس آور طبقات فرادست و فردوست جامعه هنوز به کلی برداشته نشده است. به نظر می رسد این دلیل که متغیرهایی در درون ساخت جامعه و نیز نیروهایی در

فراسوی جامعه، در برابر هرگونه تغییر مقاومت می‌کنند را می‌توان دلیل مهمی بر این امر دانست.

در بررسی حاضر ما کوشیده ایم این موانع و آسیب‌های موجود در برابر جنبش‌های بیداری اسلامی را بازشناسی کنیم. این ن‌وشتار، از همین منظر راه یکساله جنبش‌های مردمی و اسلامی جهان عرب و نیز اندیشه‌ها و رفتار جبهه معارضان منطقه - ای و فرا منطقه ای آن را مورد کاوش و ارزیابی قرار داده است. در این پژوهش، شرایط خاص دو گروه از جنبش‌های معطوف به بیداری اسلامی یعنی «جنبش‌های فعال» جهان عرب (شامل مصر، تونس، بحرین، یمن، لیبی) و «جنبش‌های نیمه فعال» (نظیر اردن، مغرب الجزائر، عربستان) مد نظر قرار گرفته و واقعیت‌های تازه ای را در خصوص «دوران گذار» این نهضت‌ها روشن می‌سازد.

## هشدار باش اسلامی ایستگاه‌های لبنان، ایران، جهان عرب

○ عادل عون  
رئیس دفتر جنبش امل لبنان در ایران

«اسلام» ارمغان پروردگار برای بشریت است. دین، آیین و مکتبی که به وسیله آن می‌توان مردم را از ظلمت (سیاهی‌ها و تاریکی‌ها مختلفند) به نور (راه و طریق مستقیم، یگانه است) هدایت کرده راه برونرفت از جاهلیت به آگاهی و آزادگی و بالندگی را یافت، و این همانا اسلام محمد (ص) است؛ اسلام علی بن ابیطالب عربی، سلمان فارسی، بلال حبشی، صهیب رومی و

...

باکمال تأسف در پی رحلت نبی اعظم (ص)، مسلمانان بسیاری از ارزش‌ها و آرمان‌ها را فراموش کردند، به نقش و رسالت اهل بیت (علیهم السلام) بی توجهی نمودند، احکام را تغییر دادند، به سنن پسندیده پشت کردند و جاهلیت و عصبیت را جایگزین آن ساختند.

دیری نیاید وقوع قیام‌ها و انقلاب‌هایی یادآور شریعت محمدی و علوی (صلوات الله علیهم) شد. آنکه حسین بن علی (ع)، نوه پیامبر عظیم الشان در مقابله با یزیدیان بانگ برآورد: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی» و ندای «هیئات منالذلة»

که الهام بخش انقلاب‌ها و انتفاضه‌های بزرگ تاریخ کهن و معاصر است. طلایه‌دار انقلاب‌هایی که ملتزم به خط امام حسین (ع) است انقلاب اسلامی در ایران به زعامت امام خمینی عظیم، مردی از تبار حسین (ع) که فرمود: «ما هرچه داریم از برکت عاشورا است». از نیمه دوم سده گذشته شاهد قیام‌ها، کودتاها و انقلاب‌هایی بودیم که منجر به سرنگونی پادشاهان و روی کار آمدن رؤسای جمهوری بود که تفاوتی با فرامانروایان پیشین نداشتند.

سال‌هاست ملل عرب و مسلمان در کشورهای زندگی می‌کنند که ظلم و فساد و سلب حقوق هموطنان و تبعیض، در آنها به امری عادی و طبیعی مبدل شده است. حکمرانانی که شأن خود را در حد خدمتگزاران محور شرارت در جهان (آمریکا و اسرائیل) تنزل داده‌اند و بیش از آن که حافظ منافع و مصالح مملکت خود باشند نگاهبان مقاصد بیگانگان هستند. حرکت و جنبش بیدارگرانه گونه‌ای هشدار به منظور بازگشت به ارزشهای والای انسانی و جماعت صالحه اسلامی و نوعی عودت به خویش‌خویش است تا خدا را که طی این سال‌ها فراموش کردیم به ما بازگردد. بیداری اسلامی در لبنان مرهون تلاش‌های عالمان گرانقدر و مجاهدان والامقام است و در این میان می‌بایست به تکاپو و مجاهدت امام صدر در تأسیس «حرکة المحرومین» در پاسداشت حقوق همه لبنانی‌ها و لبنان در برابر اسرائیل که از آن به عنوان «شر

مطلق» یاد می کرد و حمایت از انقلاب فلسطین اشاره کرد . بزرگمردی که لحظه لحظه زندگی اش در بیداری و دعوت به وحدت و مجاهدت در راه ایستادگی برابر دشمن صهیونیستی گذشت.

بیداری مقدمه رهایی است . آزادسازی ایران از ستم حاکمیت شاهنشاهی ره آورد محصول بیداری اسلامی بود که امام خمینی بذر آن را پانزده سال قبل از انقلاب کاشت . هوشیاری رهبر عالی مقام ، حضرت خامنه ای (حفظه الله) در تداوم حرکت انقلابی امام خمینی (ره) در تقویت محور مقاومت و دمیدن روحیه پایمردی در برابر تجاوزگران و پشتیبانی از همه مستضعفان را باید پاس داشت .

همگان دیدیم و دیدند که چگونه فرزندان دلاور نسل «السلح زینة الرجال» موفق به آزادسازی جنوب لبنانی از اشغال رژیم غاصب قدس شریف شدند . آنکه فرصتی طلایی و موهبتی الهی و آسمانی نصیبمان شده است تا بار دیگر با همصدایی و همدلی مبدل به «امت واحده» شویم .

## همگرایی معنادار بازتاب رسانه‌ای قیام‌های منطقه‌ای با سیاست خارجی مالکان رسانه

○ حسین عابدینی  
مدیرکل اداره اخبار خارجی  
سازمان صدا و سیما

تصویرسازی از رویدادها (Image creating)، یکی از دغدغه‌های اقشار مختلف کانون‌های اطلاع‌رسانی در قرن بیست و یکم است. از سوی سیاستمداران همواره می‌کوشند تصویری به جامعه ارائه دهند که با اقبال مردمی همراه باشد و چنان که مشاهده می‌شود این تصویر اغلب به نظر می‌رسد با بینش‌ها و گرایش‌های کانون‌های اطلاع‌رسان دارای همسویی معناداری است. موج تازه تحولات در کشورهای اسلامی از دی ماه سال ۱۳۸۹ با ناآرامی در شهر کوچک «سیدی بوزید» در کشور تونس آغاز شده و در سیر تکوین خویش در مدت کوتاهی به خیزشی عمومی مبدل گردید. این جنبش پس از تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین را نیز دربرگرفته است. این تحولات در کشورهای عربی - اسلامی، از هفت ویژگی بارز برخوردار است که از این رویکرد می‌توان آن را به درستی مورد تحلیل و تجزیه قرار داد:

۱. شناخت ماهیت تحولات ۲. شتاب تحولات
۳. فراگیر بودن آنها ۴. اصل دومینووار

بودن این خیزش ها و سرایت سریع آن از کشورها به یکدیگر ۵. مردمی بودن این تحولات. ۶. مرجع نبودن گروه های سیاسی در آنها ۷. نقش آفرینی رسانه ها در انعکاس اخبار.

این تحولات را می توان از منظر شتاب و سرایت پیشه گی با انقلاب های رنگین مقایسه کرد با این تفاوت که اگرچه این خیزش های عظیم اسلامی نیز به صورت پی در پی فراروی دوربین های خبری عالم ظاهر شدند اما، با ماهیت انقلاب های رنگین تفاوت معنادار و زیادی را نشان می دهند.

آنچه در این تحولات به عنوان تفاوت چشمگیر با ماهیت انقلاب های رنگی مدنظر است، شعارها و خاستگاه این جنبش های عمومی در کشورهای عربی اسلامی است. شعارهایی که به طور معمول از صفوف نماز جمعه و از میان تعالیم دین اسلام به عنوان عامل وحدت جوامع اسلامی سر برآورده و بدون وابستگی به احزاب سیاسی از هر گروه و مملکت، دارای ماهیتی کاملاً دینی و ضدصهیونیستی است. اوج تفکر ضدصهیونیستی را می توان در تسخیر سفارت رژیم اشغالگر قدس در قاهره به دست مردم مصر دانست و آن را نماد تفکر ضد اشغالگری ایشان به شمار آورد. نحوه بازتاب موج تحولات در شمال آفریقا و غرب آسیا (خاورمیانه و خاور غربی) می تواند به آغازین پرسش ما

درباره نقش رسانه ها در انتقال این وقایع، پاسخ درستی دهد. از این منظر با توجه به فراگیری و ضریب نفوذی که تلویزیون در اذهان و افکار ملت‌ها دارد، به نقش ویژه این رسانه و صرفاً شبکه‌های تلویزیونی ضروری است اشاره شود.

## تأثیر جنبش‌های عربی بر مسئله فلسطین

○ ناصر ابو شریف\*  
نماینده جنبش جهاد اسلامی در ایران

بدون تردید برآمدن خیزش‌های عربی در وضعیت بسیار حساسی رقم خورد، هنگامه‌ای که مسئله فلسطین در معرض تصفیه حساب تدریجی از جهت‌های مختلف از جمله برخی نهادها که در خلال انقلاب‌های اخیر عربی از صدر به ذیل کشیده شدند، قرار داشت. به باور ما انقلاب‌های عربی تأثیرات مثبت، سازنده و بسیار مهمی بر مسئله فلسطین بر جای خواهد نهاد. این گمان مبتنی بر درک، ارزیابی و برداشتی است که در مسیر شکل‌گیری وقایع و روند امور در منطقه به دست آمده است. برآیند وقایعی که در منطقه رخ داده است نمایانگر آن است که فلسطین محور اساسی آن نیست هر چند قضیه فلسطین دستاویزی برای پیشبرد برخی امور بوده است. در این میان می‌بایست توجه داشت که پروژه ای غربی در این مجبوحه عملیاتی شده است که همه امت را نشانه رفته است و در صدد به انحراف کشاندن انقلاب‌ها از مسیر اصلی خود است و کودتا بر ضد آن انقلاب‌ها در حال شکل‌گیری می‌باشد. در این میان برخی تشکل‌ها، طیف‌ها و مراکز قدرت که از رژیم صهیونیستی

---

\* ممثل حركة الجهاد الاسلامی فی ایران.

حمایت علنی و مخفی به عمل می آوردند به مثابه کارگزاران و پیاده نظام این طرح به کار گرفته شده اند تا از سلطه کامل گروه های انقلابی مردمی بر ساختار سیاسی و اقتصادی ممانعت به عمل آورند.

گذشته تاریخی و تجربه های برگرفته از آن نشان دهنده آن است که یکی از عوامل اساسی ضعیف شدن امت اسلامی و عربی دوری جستن از یکدیگر و سرگرم شدن به اختلاف - های داخلی است و چنانچه اراده مردم حاکم بود مناسبات اعراب به گونه ای دیگر رقم می خورد وضعیتی بسیار بهتر پیدا می کرد به ویژه در عرصه سیاست خارجی که تابعی محض از سیاست دو رویه غرب است که شایسته اعراب نیست.

باید اذعان داشت تغییر و تحولات منطقه برای سرکردگان اسرائیلی ف ووقالعاده زیانبار و آسیب رسان بود. صهیونیست ها کمربند امنیتی که بدان می بالیدند را از دست دادند. امنیت آنها اول بار در سال ۱۹۷۹ در پی پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران در معرض تهدید قرار گرفت.

درگیری با مقاومت اسلامی لبنان و جنگ غزه و وقایع کاروان صلح دریای م رمره که منجر به گسیختگی رشته روابط ترکیه با اسرائیل شد و در بدترین حالت آن قرار گرفت، ضربه های کاری دیگری بود که بر پیکر کم رمق صهیونیست ها وارد آمد و اکنون این رژیم کمربند امنیتی عربی را از رهگذر سرنگونی رژیم مصر و حرکت آزادیخواهانه و ضد استکباری ملت های عرب از کف داد.

انقلاب‌های عربی آرایش جدیدی را در منطقه پدیدار ساخته است و کفه موازنه را به نفع محور مقاومت تغییر داده است. هرچند نباید ساده‌انگارانه تصور کرد تأثیر این رخدادها بسیار سریع و در کوتاه مدت نمایان خواهد شد، خیر؛ شکی نیست که هر کشوری با مشکلات خاص خود دست و پنجه نرم می‌کند و گذشت زمان و کاهش گرد و غبار نتایج و تصویر شفاهی از منطقه را به دست خواهد داد.

## شاخصه‌های بیداری اسلامی

○ سید هادی سید افقهی  
کارشناس ارشد مسائل شمال آفریقا و  
خاورمیانه

از دیدگاه مقام معظم رهبری سه شاخصه بیداری اسلامی عبارتند از: ریشه‌های مردمی، ماهیت اسلامی، رویکرد ضد استکباری. به طور کلی عوامل بیداری اسلامی را به سه دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد: اولیه، میانی، اساسی.

عوامل اولیه: دربرگیرنده مطالبات صنفی، فقر معیشتی و بیکاری، گسترش فساد مالی، مافیای اقتصادی، در کنار رانت خواری دولتی و از سویی دیگر بی‌عدالتی، رشوه خواری، فساد اداری حاکم بر دستگاه‌های دولتی.

عوامل میانی: تکاپو برای کسب آزادی‌های سیاسی (آزادی احزاب، مطبوعات)، مبارزه با وابستگی کشور به نظام سلطه جهانی (آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی) مبارزه با انتقال قدرت به صورت موروثی (پادشاهی، جمهوری)، حرکت در امتداد تحقق نظام مردمسالار معطوف به ارزش‌های اعتقادی جامعه، و دست‌آورد تحقق عدالت اجتماعی و فرصت‌های رشد و توسعه همگانی.

عوامل اساسی: شامل بازگشت مردم به هویت دینی - اسلامی؛ بازتولید هویت فردی

و احیای عزت و کرامت انسانی؛ تأکید بر فرهنگ و آداب و رسوم بومی؛ ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگی غرب (جنگ نرم). ارزش کشورها از دید آمریکا و غرب به لحاظ ذخائر نفت و گاز است. لیبی و الجزایر و ... از این زاویه مهم به شمار می آیند. از لحاظ استراتژیک، کشورهایمانند مصر، سوریه، اردن، فلسطین، یمن، لبنان، دارای ارزش سیاسی و استراتژیک می باشند. و البته برخی کشورها ارزش دومنظوره دارند که در این میان می توان از عربستان سعودی، بحرین، امارات، قطر، کویت، عمان، رژیم صهیونیستی در زمره همپیمانان آمریکا به شمار می آیند. دولت های مصر، تونس، عراق، لیبی در بلاتکلیفی بسر می برند. و اما ایران، سوریه، مردم لبنان و فلسطین با آمریکا متخاصمند.

همچنین باید توجه داشت که آمریکایی ها دارای پایگاه دریایی مهمی در بحرین هستند و ناوگان پنجم آنان در آنجا مستقر است. پایگاه زمینی آنها نیز در سیلیه و العدید قطر است. همچنین آمریکایی ها سه پایگاه حائز اهمیت هوایی (سلطان، خالد، اسکان) در عربستان دارند؛ و البته پایگاه های نظامی در کویت. یادآور می شود هماهنگ کننده اتاق فکر مشترک عربستان، اسرائیل، آمریکا، در منطقه، شاهزاده بندر بن سلطان بن عبدالعزیز آل سعود است. همچنین آمریکایی ها دارای پایگاه های امنیتی چندی در عراق، یمن، و اردن هستند.

در این بین لازم است به عوامل فکری، وعاظ السلاطین، منظومه فرهنگی جریان های سکولار و منورالفکر غربزده و رسانه های جمعی و شبکه های اقماری عربی «الجزیره» (قطر) و «العربیه» (سعودی)، همچنین شبکه های آمریکایی که با نام های «الخره»، «سلوی»، «بی بی سی (عربی)»، «سی ان ان (عربی)» که در خلال بیست و چهار ساعت برنامه به زبان عربی پخش می کنند توجه کرد.

در بررسی آخرین وضعیت بیداری اسلامی در کشورهای عربی به اختصار چند کشور مطمح نظر قرار گرفته اند:

**تونس:** این کشور جرقه انقلاب را زد و به فرار دیکتاتور به عربستان سعودی منجر شد. در حاکمیت موقت این کشور پس از برپایی انتخابات، این سیاست ورزان ذی مدخل هستند: راشد الغنوشی (رهبر حزب النهضه)، منصف مرزوقی (رئیس جمهوری)، حمادی جبالی (نخست وزیر)، مصطفی بن جعفر (رئیس مجلس مؤسسان).

**مصر:** قیام مردم مصر منجر به سرنگونی حسنی مبارک در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد و پس از آن قدرت به دست نظامیان در یک کودتای بدون خونریزی افتاد. از آن به بعد شاهد همایش های مردمی و درگیری های چندی در میدان التحریر هستیم و البته انتخاباتی که پیروزی اسلامگرایان را مسجل کرد، عناصر ذی نفوذ امروز در حاکمیت این کشور عبارتند از: حسین طنطاوی (رئیس شورای عالی نظامی)، کمال جنزوری (نخست وزیر).

**لیبی:** بن غازی آغازگر قیام شد و در پی درگیری های گسترده تمام عیار با ورود قوای ناتو به معرکه و به دام افتادن معمر قذافی، شاهدك اهش تنش ها هستیم . واکاوی روابط شیخ یوسف قرضاوی با دیکتاتور مستبد لیبی، و بررسی دیدگاه های فکری و سیاسی مصطفی عبدالجلیل (رئیس شورای انتقالی) و عبدالرحیم الکیب (نخست وزیر موقت) حائز اهمیت است.

**یمن:** ادامه اعتراض های مردمی و کشتار مخالفان در این کشور به رغم ت فاهمنامه منعقد در ریاض میان علی عبدالله صالح و جانشین وی عبدالله منصور همچنان ادامه دارد و این کشور آستان حوادث عدیده ای است.

**بحرین:** رخدادهای اعتراض آمیز با قیام مردم این کشور آغاز شد و با سرکوب و کشتار مردم توسط مزدوران آل خلیفه و نیروهای اشغالگر عربستان سعودی ادامه یافت . بررسی گزارش تحقیق بسیونی، رفرم های فریبنده در سطح تغییر برخی کارگزاران و تکوین «هلال مقاومت» در منطقه ضروری است.

**سوریه:** این کشور با دو جریان «اصلاحگر» در داخل و «برانداز» در خارج مواجه است . جریان اصلاح طلب سوری خواهان: آزادی سیاسی و مطبوع اتی، لغو شرایط وضعیت فوق العاده، انحلال دادگاه های ویژه امنیتی نظامی، صدور عفو عمومی زندانیان سیاسی و عناصر مسلح، تدوین قانون اساسی جدید، می باشد . و

اما طیف برانداز در پی : تشکیل مجلس  
ملی، ارتش آزادیبخش، تعلیق عضویت  
سوریه در اتحادیه عرب، محاصره اقتصادی و  
تحریم بازرگانی، ایجاد منطقه پرواز ممنوع  
و اجرای پروژه مشابه بن غازی و وقایع  
لیبی در سوریه، انجام عملیات تروریستی و  
ایجاد ناامنی در مرزها است.  
در این میان توجه به گزینه های  
آمریکا در: انفعال - نفاق؛ کارشکنی -  
فریب، نفوذ - تطمیع، تحریم - انزوا،  
تهدید - تهاجم، حائز اهمیت می باشد.

## بیداری اسلامی چالش‌ها و چشم‌اندازها

○ علی جاسم عاشور  
فعال سیاسی بحرینی

منشأ بیداری اسلامی را باید در منابع اصیل اسلامی جست . بیداری و انقلاب جایگاه رفیعی در قرآن و اندیشه اسلامی داراست . برپایی دولت عادلانه هدف بعثت انبیاء و رسولان می‌باشد . در رخدادهاي انقلاب‌هاي عربي گرایش به اسلام ناب و به دور از پیرایه‌ها موج می‌زند .

آمریکا و رژیم صهیونیستی با اوجگیری جنبش‌هاي ضد استبدادي تکاپوي فراواني به عمل آوردند تا خصلت ضد استعماري آن را بستانند و یا کم اثر نمایند . در برخی انقلاب‌ها شاهد احیای موات برخی رجال سیاسی کار، و جریان‌هاي تاریخ مصرف گذشته بودیم که به هر قیمتی می‌خواستند خوشه‌چین قیام‌ها شده و آن را سکوی پرش و پرتاب به سوی کسب قدرت قرار دهند .

برخی قیام‌ها و انقلاب‌ها ناتمام ماند و شرایط دست به دست داد تا پیروزی زودرس حاصل آید و انقلابی‌ان از ادامه مطالبات اساسی دیگرشان تعمداً بازداشته شوند .

نسل جوان از ارکان بنیادی انقلاب‌هاي عربي است که بار قیام و درگیری‌ها را بر دوش کشید و هزینه سنگین آن را نیز پرداخت کرد و اکنون سزاوار است

جایگاه های رفیعی را در دولت های پس از انقلاب به خود اختصاص دهد .  
بیداری و بصیرتی که در میان نخبگان و عموم مردم به دست آمد بسی گرانبهاست اما در جاهایی سعی می شود هیجان های مردمی فرو ننشینند و اجازه داده نشود قیام مردمی به انقلاب نخبگان تبدیل شود .  
از جمله دستاوردهای دیگر «الصحوۃ الاسلامیة» (بیداری اسلامی) ایمان راسخ به نصرت الهی است که وعده آن به مؤمنان و مستضعفان داده شده است .  
بی شک تنها راهکار برگزیده برای رویارویی با مطامع بیگانگان در منطقه مقاومت است و تغییر و تحولات اخیر به تقویت این محور کمک شایان خواهد کرد .

## تصویر مات و کدر بیداری اسلامی در رسانه‌ها

○ مهدي حسن الخفاجي  
مدیرکل شبکه عربی و آفریقایی  
معاونت برون‌مرزی سازمان صدا و سیما

قدر مسلم این که بیداری اسلامی در نهضت‌های ملل عربی تغییرات و انعطاف‌هایی پدید آورد؛ و معادله‌های سیاسی و نظامی در منطقه را دگرگون و به نفع محور و هلال مقاومت در برابر مطامع استعماری، تغییر و دگرگون ساخت. درباره این بیداری مقاله‌ها و تحلیل‌های مختلفی نوشته و گفته شده است. به گمان برخی رُخدادهای حادث اخیر ساخته و پرداخته اتاق فکری در آمریکاست؛ از منظر عده‌ای این جنبش‌ها، خلق الساعه و واکنش طبیعی نسبت به ظلم و جور حاکمیت‌های بی‌اراده و مزدوری است که هم وطنان خود را خوار نموده و ضعیف‌پنداشته‌اند. از دیدگاه جماعتی نیز مقدمات این بیداری پیشاپیش مهیا گشت لیک آمریکا و دنیای غرب با شتاب آتش‌خشم ملت‌ها را شعله‌ور کردند تا مانع وقوع انفجار بزرگ که منافع آنان را به خطر می‌افکند شوند. به باور ما آنچه رخ داد به گونه‌ای که رهبر انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای فرمود: یک بیداری اسلامی تمام عیار بود. خاستگاه تاریخی و ریشه‌های آن را می‌توان در پی‌پی‌روزی انقلاب اسلامی ایران جست‌وجو کرد. انقلاب‌های عربی پرده‌های میان

دولت‌های حاکم و مردم را درید و ملت‌ها به روشنی وابستگی فرمانروایان خود به آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی را دریافتند. انقلاب اسلامی پس از بیش از سه دهه به مثابه الگو و نمونه ای برای انقلاب‌های عربی منطقه مطرح توجه واقع شد. آنان به وضوح دریافتند که ایران اسلامی به رغم تحمیل جنگی هشت ساله بر آن و اعمال تحریم‌های گوناگون با تکیه بر مهارت‌های فنی داخلی فرزندان‌ش تبدیل به کشوری با توانایی‌های علمی، صنعتی و نظامی شده است که جهان غرب جرئت و جسارت حمله به آن را در خود نمی‌بیند. ملل منطقه که سال‌ها در معرض سرکوب و قلع و قمع قرار داشتند و از حداقل آزادی‌های مدنی بی‌بهره ماندند آرمان‌های اسلامی مقدسشان را نیز در معرض خطر دیدند. این همه صرف نظر از چوب حراجی است که به ذخایر ملی و اندوخته مالی متعلق به نسل آینده زده شد. سیر قیام‌های اخیر، آمریکایی‌ها و کشورهای غربی را نیز شگفت زده کرد. آنان در وهله اول پی به عمق و عقبه این طغیان عمومی نبردند. فراموش نکنیم هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا يك هفته پس از حوادث تونس اعلام کرد به زودی با زین العابدین بن علی دیدار و با او درباره آنچه در این کشور به وقوع پیوست گپ و گفت خواهد کرد؛ وی در ادامه بر ارتباط مستحکم کشورش با رئیسمجمهور تونس تأکید نمود.

پس از جرقه‌ای که به انبار باروت شور و شعور و بیداری زده شد، آمریکایی‌ها با تمام توان و امکاناتی که در اختیار داشتند به صحنه آمدند تا کنترل اوضاع را به دست گیرند. کوشش آنان در این مرحله بر آن بود تا قیام‌های مردمی را در کانال‌های ترسیم شده توسط خود هدایت نمایند. در این مرحله آمریکایی‌ها منکر هویت اسلامی این انقلاب‌ها شدند. نخبگان، سیاستمداران، تحلیل‌گران، و لشکری از رسانه‌های وابسته به غرب به راه افتاد تا عنوان «بهار عربی»، و «انقلاب‌های فیس‌بوکی»، و «انقلاب‌های توییتری» و مشابه آن را جایگزین انتفاضه‌ای با ریشه‌های اسلامی و ملی عربی نمایند و این همه صرفاً به خاطر بیم و نگرانی آنها از ایجاد شبیه‌سازی میان انقلاب‌های عربی و انقلاب اسلامی مبارک ایران بود.

فراموش نکنیم پس از پیروزی انقلابیان در لیبی آنگاه که مصطفی عبدالجلیل رئیس مجلس ملی لیبی اعلام کرد قانون اساسی جدید بر اساس شریعت اسلامی تدوین خواهد شد در معرض شدیدترین حملات رسانه‌ای غرب قرار گرفت و شواهد مشابه در این باره فراوان است. از دیگر طرح‌های دسیسه‌گرایی‌ان‌ان موج سواری بر حرکت‌های اصیل مردمی بود. روزنامه‌های گاردین انگلیس و نی‌ویورک تایمز آمریکا و دیگر نشریات غربی و آمریکایی در پی به ثمر نشستن انقلاب‌های عربی فاش ساختند که یک هفته پیش از وقوع این قیام‌ها چگونه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آمریکا

و انگلیس با دستگاه استخباراتی معمر قذافی همکاری می کردند. کمتر کسی صحنه دستبوسی قذافی توسط سیلویو برلوسکونی نخست وزیر ایتالیا، تنها چند ماه قبل از انتفاضة بنغازی را از یاد برده است.

چه کسی می تواند حمایت های غرب و در رأس آن آمریکا از رؤسای جمهوری مصر و تونس را فراموش کند.

توجه داشته باشیم از دیگر دسیسه هایی که توسط استراتژیستین های غربی م دنظر قرار گرفت رویکرد بازدارنده در شکل گیری تشکل های مردمی و ممانعت از قدرتمندی و دستیابی به قدرت سیاسی از سوی انقلابیان بود و جلوگیری از متلاشی شدن بدنه سامان یافته نظام های پیشین که هم چنان دمیدگی روح بورقیده ها و مبارکها در آن احساس می شود.

ورود ارتش های تونس و مصر با هدایت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا سیا از این زاویه قابل درک و فهم است. بی جهت نیست که به یكباره برای اداره بهتر امور و در نظر گرفتن سوپاپ های اطمینان، در یمن سرلشکر علی محسن برادر ناتنی علی عبدالله صالح، و شیخ صادق احمد فرزند رئیس سابق پ ارلمان یمن (شیخ حسین احمد) به اردوگاه انقلابیون می پیوندند؛ یعنی آنان که در همه جرم و جنایت های صالح بر ضد ملت یمن دست داشته اند. در لیبی نیز در بزنگاه خطیری شاهد جدایی عبدالقادر یونس، رئیس ستاد ارتش لیبی و شخصیت های وزارتی و سیاسی مهم دیگری و ملحق شدن آنان به جبهه قیامگران هستیم تا خود

پشت بلندگو براي بيان برخي خواست هاي  
برحق مردم قرار گرفته آن را بر زبان  
رانند. در اين ميان بيشتريين ستم در حق  
مردم بحرين روا داشته شد آن هم به اتهام  
واهي طايفه گري و ارتباط با ايران .  
تدقيق در مواضع عربستان سعودي، ترقيه،  
و به و يژه قطر در خلال انقلاب هاي  
پيشگفته و ميزان كمك هاي سياسي، مالي، و  
رسانه اي به عمل آمده و هماهنگي هاي انجام  
شده با كادرهاي در سايه و قلابي برخي  
قيام ها حائز بسي اهميت است كه در  
نوشتار اينجانب مورد توجه قرار خواهد  
گرفت.

## انقلاب‌های عربی وجوه تشابه و تفاوت

○ امیر موسوی\*  
مدیر مؤسسه مطالعات استراتژیک و روابط  
بین‌الملل

در نوشتار حاضر به وجوه تشابه و تفاوت‌های مشهود در انقلاب‌های عربی به صورت فهرست وار اشاره می‌شود و قرائت مختصری از نظرگاه‌ها و رویکردهای فکری آنان به عمل می‌آید.

### الف. پارامترهای مشابهت

۱. نابهنگامی خیزش‌های انقلابی و غیرمنتظره بودن آن.
۲. مشارکت متنوع مردمی با گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی در انقلاب.
۳. فقدان رهبری متمرکز و تأثیرگذار راهبردی در خیزش‌های عمومی که سر برآورده.
۴. نبود چشم‌انداز روشنی پس از تغییر و سقوط حاکمیت‌ها.
۵. تمامی کشورهای سر به شورش نهاده را حکمرانان خودکامه و دیکتاتور اداره می‌کردند.

---

\* مدیر مرکز دراسات الاستراتیجیه و العلاقات الدولیه  
طهران؛ بیروت

۶. جدایی نهادهای نظامی و امنیتی و اداری در کشورهایی که مبادرت به انقلاب کردند.
۷. وجود کانون های فکری و عقیدتی در میان سردمداران اپوزیسیون میدانی (حاضر در صحنه) و سیاسی در کشورهای مورد بحث.
۸. واضح نبودن مواضع قیامگران درباره مسائل و مقوله های حساس و سرنوشت سازی مانند قضیه فلسطین و رژیم صهیونیستی، الگوبرداری و تبعیت از غرب، روابط با جمهوری اسلامی ایران، و محور مقاومت در منطقه.

#### ب. پارامترهای تفاوت

۱. برگزیدن رویکرد مسالمت آمیز با اتخاذ راهکار توسل به زور و سلاح در انقلاب.
  ۲. چگونگی کلید خوردن حرکت انقلابی در هر کشوری.
  ۳. افکار و طرح و برنامه و مشی انقلابی.
  ۴. کیفیت تعامل با حکمرانان سرنگون شده یا در شرف سرنگونی.
  ۵. نحوه برخورد بلوک غرب، دنیای عرب و رسانه ها با انقلاب ها در گستره های گوناگون.
- همچنین بررسی مواضع جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خصوص انقلاب های برآمده و برانگیخته و متأثر از بیداری اسلامی در جغرافیای موضوع پژوهش حائز اهمیت است.

و بالاخره این که انقلاب ها به کدامین  
سو پیش می روند، و مقصد نهایی آنها  
کجاست؟

## بیداری اسلامی با محوریت «جمعه و جامع» و «ناس بوک»

○ سید محمد صادق الحسینی  
کارشناس ارشد سیاسی کشورهای عربی و اسلامی

جرقه ای که در ۲۰۱۰/۱۲/۱۷ در شهرک ناپیدای سیدی بوزید تونس زده شد در مدت زمانی کوتاهی جای جای این کشور را شعله ور ساخت. دیری نپایید آتش انقلاب تونس فضای میدان التحریر در قلب قاهره را روشن کرد. میدانی که همچنان نبض حیات سیاسی مصر را به مثابه قلب تپنده ای که پرتو افشانی می کند در خود جای داده است. آنچه در یک سال اخیر شاهد آن هستیم قیام برعلیه حکمرانان غریزه است که پشت به اسلام کرده تمام قد در برابر باورها و مطالبات برحق ملت‌های خود نه تنها ایستادند بلکه آنها را خوار شمرده و تحقیر کردند. رژیم‌هایی که به جای رویارویی در برابر مطامع استعمارگران غربی به سردمداری آمریکا و مقاومت در مقابل زیاده خواهی‌ها و پارس‌های سیاسی و تهدیدکننده سگ نگاهبان ایالات متحده در منطقه، یعنی رژیم صهیونیستی، مبادرت به سرکوب وحشیانه و قلع و قمع بیرحمانه مردم خود نمودند و آنان را از حداقل آزادی‌های مدنی و شهروندی محروم ساختند.

ملل مسلمان منطقه که از غارت و  
چپاول منابع طبیعی و ذخایر استراتژیک  
گرانبهای خود به ستوه آمده بودند،  
همچنین سالها در معرض تهاجم و تجاوز  
فرهنگی و مسخ هویت خود قرار گرفته  
بودند با همه وجودشان، گوشت و پوست و  
استخوان، و روح بلند و خوی پاکشان به  
صحنه آمدند. سه دهه و نیم پس از بانگ  
بلند امام خمینی مبنی بر آن که خون بر  
شمشیر پیروز است، شاهد تحقق این وعده  
نصرالهی در مطلع دهه دو م هزاره سوم  
بودیم. پیروزی های درخشان اسلام معاصر،  
مبارز و رهاییبخش در ایران، لبنان،  
عراق، فلسطین (غزه)، توده های میلیونی  
را به «جمعه و جامع» کشاند. انتفاضه ای  
که روح مردم را پیش از جسم شان آزاد  
کرد. اقبال مردم و بازگشت افتخارآفرین  
و شکوهمندشان به اسلام، عام ل و باعث و  
بانی این بیداری است. جنبش «بیداری  
اسلامی» نه آن چنان که رسانه های  
فریبکار غرب آن را «بهار عربی» می شمرند.  
آنچه رخ داده ثمره تکاپوی رسانه ای  
مجازی و سایبر «فیس بوک» نبود؛ مردم،  
خالق و آفریننده معجزه بودند. مساجد  
الهام بخش قیام شدند و از وحی قرآنی شاهد  
و ناظر انقلاب های عظیم بودیم. به رغم  
تلاش های به عمل آمده در به انحراف  
کشاندن قیام ها و ارائه تصویر غلط و  
حتی وارونه از آنها، حقایق امور  
به گونه ای که به وقوع پیوست برای مردم  
آشکار گردید. شبکه های مشکوک و  
عنکبوت رسانه ای در چنین برهه ای سعی در

موج سواری و به مسیرهای دلخواه جهت دادن این نهضت‌ها دارند.

مردم، قرآن، جمعه و جماعت، و مساجد به سرقت رفته را از چنگ سارقان آشنا بازستاندند. ملل منطقه «تزکیه» را جایگزین «تنمیه» (عمران و سازندگی ظاهری) کردند و در این راه گام نخست‌شان پالایش روح و فکر بود. آنان به فرهنگ‌شان بالیدند و نازیدند و آن را فراتر و بالاتر از علوم تحمیلی غربی نشانندند. توجه به تمدن و تاریخ و میراث جاودان گذشته و کسب انرژی در این ذخیره لایزال مبدل به دینا می‌زم این خیزش همگانی گردید؛ که نتیجۀ آن شورش بر فروشندگان و سوداگران دین و عقل در برابر مظاهر تمدن معاصر غربی بود.

احساس مسئولیت و رسالت خطیر مسلمان بودن دعوت‌کننده به انتفاضه معاصر بود و البته در این راه می‌بایست چنان که رهبر و فرمانده مان امام خامنه‌ای (دام عزه الشریف) فرمود می‌بایست هوشیارانه مراقب تداوم، بالندگی و مصادره نشدن این قیام‌ها بود.

## بیداری اسلامی معاصر نگاهی به موانع و مطالبات

○ راشد الراشد  
حقق، نویسنده و فعال سیاسی مجری

بیداری اسلامی روحی در کالبد انسانهای مسخ شده از پس جور حاکمان و سلاطین بود. پتانسیل بالقوه که مدتها مهجور ماند و به رغم قوت و قدرتی که برای حل معضلات مبتلابه جامعه بشری داشت، به فعل درنیامد. این درحالی است که حاملان اندیشه و گفتمانهای فکری دیگر از مشکل‌گشایی‌های خرد و جزئی مجتمعات خود درماندند. نوع نگاه به اسلام به مثابه مکتب حیاتبخش، کارگشا، و کارآمد تأثیر فراوانی در تغییر نگرش برجای نهاد. با نینمناهی به اوضاع جوامع عربی و اسلامی پیش از برآمدن جنبش بیدارگرانه اسلامی به خوبی درمی‌یابیم که رکود، بی‌حرکی، انفعال و افسردگی، همه جا مشاهده می‌شد. ملل اسلامی با توجه به عقب‌ماندگی و ناکامیهای مختلف به نوعی زمینگیر و به این واماندگی خو گرفته بودند. راه طولانی طی شد تا بارقه‌های امید در دلها زنده شود، آن هم پس از آن که رویکردهای مختلف به ملیت، قومیت، عربیت، مارکسیسم، سرمایه‌داری، لیبرالیسم، سکولاریسم، جواب نداد. در

این میان نمی توان از حرکت امام خمینی (ره) به آسانی درگذشت. آن بزرگوار را می بایست پرچمدار و بنیادگذا ر بیداری اسلامی معاصر تلقی کرد.

امام خمینی پیش از انقلاب، برضد جمود و سکون و سکوت مسلمانان شورید. ایشان گرد و غبار اسلام را زدود و آن را از اسلام قشری و به دور از صحنه و سیاست به اسلام تحول آفرین و یاور مردم به خصوص محرومان مبدل کرد و این همانا حرکت مجددان ه (احیاگرانه) ای بود که امت اسلام نیاز مبرم به آن داشت. پیروزی انقلاب اسلامی پی آیند این تغییر و تحولات بود که جغرافیای جهان اسلام را وسعت بخشید و آن را به منظر آورد و بدان عمق فکری و استراتژیک بخشید. این بیداری دینی، مسلمانان را از خواب غفلت به هوش آورد. در این میان نباید از موانع، پیش و پس حرکت بیدارگری غفلت کرد.

- . ترویج خرافات، تخریب، انقباض فکری، تعصب، و واپس گرایی بخشی از آنهاست
- . استعمارگران مایلند آن پیکره آن چنان محاط به آن مواد تجدیری شود که توان حرکت از آن بی اختیار سلب شود. وقتی مشکلات و بحرانهای امت اسلامی نظیر فقدان خط مشی فکری، اصالت فرهنگی و توازن روحی و تشویش مفاهیم و دوگانگی عملکرد و گاه ناپیدایی هدفها، تضعیف و فروپاشی برخی ارزشها موشکافی شود به خوبی آشکار می گردد که باید برای زدودن افکار ناصواب، جمود معرفت، ناتوانی در تجدید اندیشه، چاره ای اندیشید.

در وضعیت بحرانی کنونی در تداوم مسیر  
 پرمخاطره این خیزش عظیم توجه به موارد  
 زیرضروری است، و آن همانا: آمادگی امت،  
 که در پرتو فرهنگ غنی اسلام آماد<sup>ه</sup>  
 پرداخت هزینه های مختلف در این مسیرند؛  
 نگاه به چالش های فرارو، طرح های  
 توطئه گرانه و دسیسه هایی که به منظور  
 انقلاجویی از نهضت بیداری مطمح نظر قرار  
 می گیرد؛ تقویت روحی، که پس از شکستن و  
 انهدام دیوار ترس به دست آمده است.  
 در واقع جنبش بیداری اسلامی معاصر  
 درصدد قانع کردن مسلمانان به این است  
 که آنان قادر به ایستادگی بر روی  
 پاهای خود و بی نیاز به کمک بیگانگان  
 هستند. کسب استقلال فکری و روحی، نیل  
 به استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی را  
 آسان تر می نماید. بی شک این همه ساده سازی  
 یا ساده انگاری، خیالپردازی و توهم  
 نیست. بانگاهی به گذشته نه چندان دور  
 به سهولت می توان نقش مسلمانان در  
 احیای تمدن اسلامی را درک و فهم کرد.  
 این بیداری به گونه ای بازگشت به  
 قرآن و آشتی با گذشته و پیشین<sup>ه</sup>  
 پرافتخار طلایه داران فرهنگ و تمدن سازی  
 اسلام بود. آیات کلام الله مجید موتور محرک<sup>ه</sup>  
 هر سامان<sup>ه</sup> تحول آفرینی است. در این  
 مرحله اتخاذ رویه های صحیح به دور از  
 افراط و تفریط، به شکل هوشمندانه  
 فوق العاده ضرورت دارد.  
 پرهیز از فرصت سوزی، اجتناب از  
 پرداختن به نزاعهای حاشیه ای، خودداری

از تحزب و گروه‌گرایی، انفتاح جغرافیایی  
و فکری، گذار از گفتمان عاطفی به  
امتناع خردورزانه، و قس علیهذا، حائز  
اهمیت است.

## انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱م، سرآغاز موج جدید بیداری

○ محمد مجیدالشیخ  
سفیر عراق در ایران

کمتر از دو سال از پایان یافتن جنگ عراق با ایران نگذشته بود که صدام جنگ دیگری را به یکی دیگر از همسایگان خود تحمیل کرد. نظامیان عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ با یورش به کویت ظرف سه ساعت این کشور را اشغال و آن را استان نوزدهم عراق قلمداد کردند. اشغال این کشور بیش از هفت ماه به طول انجامید تا این که پس از ضرب الاجل‌های مختلف، سی و چهار کشور زیر عنوان ائتلاف بین الملل به رهبری آمریکا، عراق را آماج یورش خود قرار دادند. حملات هوایی سی و هشت شبانه روز به طول انجامید تا این که پیکار زمینی آغاز گردید. رویارویی‌ای که تنها صد ساعت تداوم یافت و با شکست و هزیمت خفت بار ارتش صدام پایان پذیرفت. در این حیص و بیص ملت مظلوم عراق که از ظلم و جور و سیاست‌های ابلهانه رئیس‌جمهور میهنشان به ستوه آمده بودند دست به قیام گسترده‌ای زدند. آتش این طغیان عظیم چهارده استان عراق را شعله ور کرد. از آنجا که جرقه قیام شب نیمه شعبان ۱۹۹۱ زده شد، این قیام به انتفاضه شعبانیه سرشناس گردید. کنترل بخش اعظمی از عراق با سقوط دیالی، واسط، میسان، بصره، ذی قار، مثنی،

قادسیه، بابل، کربلا، نجف، دهوک، اربیل، کرکوک، و سلیمانیه، به دست مردم افتاد. چهار استانی که در خلال انتفاضه همچنان در اختیار بعثیان باقی ماند عبارت بودند از: بغداد، صلاح الدین، انبار، نینوی.

چراغ انتفاضه دو هفته بعد با هجوم نیروهای گارد جمهوری به شهرهای سر به شورش نهاده خاموش شد؛ اقدامی که با چراغ سبز آمریکایی‌ها جامه عمل پوشید. در جریان این قیام عمومی مردمی بیش از پانصد هزار نفر به شهادت رسیدند. بر روی تانک‌هایی که برای سرکوب منتفضین (قیامگران) به شهرهای سر به شورش نهاده گسیل شدند، نوشته شده بود: «لاشیعه بعد الیوم»!

نیروی‌های گارد جمهوری در قلع و قمع انقلابیان در شهرهای مقدس نجف و کربلا بر سر این شهرها بلایی آوردند که از زمان حمله مغول به بغداد در ۱۲۵۸ به بعد سابقه نداشت هیچیک از شهرهای عراق این سان مورد تعرض و انهدام قرار گیرد. این همه صرفنظر از هتک حرمت حرم‌های علوی، حسینی و عباسی بود که در صحن و شبستان آن خونهای فراوان بیگناهان ریخته شد. آنچه بیش از همه دل آدمی را به درد می‌آورد سکوت فاجعه بار مجامع بین‌المللی در برابر این فاجعه و جنایت بود.

بر این باورم که انتفاضه ملت عراق سرآغاز موج بیداری اسلامی و ملی در برابر حاکمان مستبد و استعمارگران به شمار می‌آید. این انتفاضه نه سال گذشته

که دو دهه پیش با شورش در بصره شعله ور  
شد و به شهادت نیم میلیون نفر از ملت  
مظلوم عراق انجامید.

## انقلاب‌های عربی و نسیم تحوّل

○ احمد عاطف‌ابوالعزم  
عضو هیأت علمی دانشگاه المنوفیه (مصر)

بر آگاهان به مطالعه و بررسی تاریخ کهن و معاصر پوشیده نیست که هر قیام و انقلابی، ریشه‌ها، زمینه‌ها، بستر و علل موجده خاصی دارد.

با نگاهی به تاریخ گذشته درمی‌یابیم که تمامی شورشگری‌های مردمی منبعت از اندیشه و تفکر خاصی بوده است. قیام امام حسین (ع) در برابر حاکمیت وقت، به همه جهانیان درس ایستادگی در برابر ظلم و ظالمان داد و باعث ایجاد تغییراتی گردید. دگرگونی‌ها و تحولاتی که به نظر می‌رسد خون‌های به ناحق ریخته شده تضمین‌کننده آینده آن است. اصطلاح بهار عربی از سوی دنیای عرب و رسانه‌های اقماری آنها بر قیام‌های اخیر منطقه نهاده شد. اما به راستی انگیزه‌های این طغیان مردمی همگانی چه بود؟ انقلاب‌های عربی نتیجه طبیعی قیام بر ضد ستمکاری، استبداد سیاسی و عیاشی‌های حکومت‌های فاسد بود. ملتی که در پی عزت و کرامت، آزادی فکر و تعیین سرنوشت خود و جامعه بود. انقلاب‌هایی که نظام‌های پلیسی را به عقب راند تا دیگر جرأت بازداشت‌های فله‌ای، شکنجه زندانیان، و قتل آنان را به جرم فعالیت سیاسی و اسلام‌خواهی و اصلاح طلبی ندهند.

این انقلاب‌ها ویژگی‌های مشترک چندی با یکدیگر دارند که یکی از آنها اختلاف طبقاتی

حاصل بود. به عنوان نمونه وقتی از منابع غنی و ثروت کشوری چون لیبی یا تونس یا مصر یا ... جویا و م طلع می شویم، از یک سو و اختلاف طبقاتی مردم را از سویی دیگر ملاحظه می کنیم بیش از هر زمان دیگری پی به عمق فاجعه می بریم. بر اساس یک بررسی تحقیقاتی به عمل آمده درباره برخی از قیام ها، یکی از محوری ترین علل آن بیکاری و اختلال در بازار کسب و کار بوده است. بر اساس پژوهش خانم دکتر سمیه عبدالمولا از اساتید سرشناس اقتصاد دانشکده بازرگانی مصر، یکی از زمینه های مشترک همه انقلاب ها ایده آل آنها برای دست یابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی است. بر اساس خبر موثق منتشره در روزنامه الشروق الجزایر، ۵۰ درصد سود بسیاری از شرکت های مصر به جیب خانواده مبارک سرازیر می شد. طبق تحقیقات مقدماتی به عمل آمده قریب ۵۵ میلیارد دلار ثروت خانوادگی این خاندان تخمین زده شده است.

یکی از علل پیروزی برق آسای انقلاب های تونس و مصر، شدت فساد حاکمیت های این دو کشور به ویژه در حوزه اقتصادی بود. طغیانگری مأموران نهادهای امنیتی در سرکوب و قلع و قمع جوانان در هر دو کشور بی حد و حصر بود. انقلاب هایی که دینامیزم و موتور محرکه آن را جوانان شکل دادند. در برخی انقلاب ها شاهد وحدت، همبستگی و یکپارچگی مسلمانان و مسیحیان بوده ایم، به دور از مسلک گرایی و نزاع دینی و طایفی.

ملت با فرهنگ و متمدن مصر به دور از خشونت موفق به براندازی رژیم حاکم شد. در این میان نباید از پشتیبانی نیروهای مسلح

در هر دو انقلاب از قیام بر حق ملت غافل  
ماند. هر چند تهدیدهای چندی فراروی ماست .

## آن سوی ۳۲۰۰ روز اشغالگری بررسی موردی عراق

○ صفا الدین تبرائیان  
حقق، نویسنده و کارشناس ارشد تاریخ عراق  
مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

عراق در ابتدای دهه پایانی سده  
گذشته، در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ مورد یورش  
قوای نظامی ۳۴ کشور با عنوان اردوگاه  
متحدان به رهبری آمریکا قرار گرفت .  
دستاویز حمله، اشغال کویت در ۲ اوت  
۱۹۹۰ توسط عراق بود . جنگ با بمباران  
هوایی مراکز و تأسیسات نظامی،  
اقتصادی، اداری عراق آغاز گردید که سی  
و هشت روز تداوم یافت . اما نبرد زمینی  
تنها چهار روز طول کشید، آری  
یکصد ساعت.

دوازده سال بعد، عراق که در سده  
اخیر مانند برخی دیگر از کشورهای  
خاورمیانه به دفعات مورد تعرض قدرت های  
بزرگ قرار گرفته بود، در آغازین سال -  
های هزاره سوم بار دیگر در ۲۰ مارس  
۲۰۰۳ هدف حمله ایالات متحده و شماری از  
هم پیمانانش قرار گرفت . آنها این بار  
بر خلاف دفعه پیشین از شورای امنیت  
سازمان ملل مجوزی دریافت نکردند .  
توجیهاتی که آن زمان برای این تهاجم  
برشمرده شد:  
فحست، جنگ بر ضد تروریسم و ارتباط

تنگاتنگ دولت عراق با تروریست ها و مشخصاً القاعده و این که صدام در حد یکی از همکاران اسامه بن لادن اگر نه به افکار عمومی جهان، بلکه به مردم آمریکا و برخی کشورهای غربی معرفی شود، هر چند هیچ مدرک ی مبنی بر اثبات این مدعا به دست نیامد.

دوم، وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق؛ که حالا دیگر همگان پی به بزرگنمایی این سوژه و اطلاعات غلط و دروغ های ارائه شده از سوی ایالات متحده و بریتانیای کبیر در این باره برده اند.

سوم، هر اندازه که دو توجیه پیشین از رنگ و رو می افتد بر اهمیت سومین متمسک و دلیل تراشی فزونتر افزوده می شود و آن نجات مردم عراق از چنگ استبداد و وعده ایجاد دموکراسی در این کشور و تعمیم الگوسازی این مدل دموکراتیک برای کل منطقه خاورمیانه است.

این همه در حالی است که جوهره سیاست آمریکای طی چند دهه اخیر در جهتی خلاف دموکراسی و حق تعیین سرنوشت مردم بوده است. در سنوات معاصر هریک از رؤسای جمهوری آمریکا، مشی راهبردی سرمایه گذاری بر دفاع نظامی از رژیم صهیونیستی و تبلیغ کارتونی روند صلح، یاری رسانی به حکومت های طرفدار آمریکا در خاورمیانه و گسترش و تقویت م ناسبات نزدیک با افراد و شیوخ نفتی منطقه خلیج فارس به ویژه آل سعود را مورد

توجه قرار داده بودند.

از قضا جرج دبلیو بوش کمتر از هشت ماه پس از شروع جنگ، در ۶ نوامبر ۲۰۰۳ با حضور در بنیاد ملی وقف دموکراسی (از مراکز تأسیسی در ۱۹۸۳ توسط گروه ریگان و اتاق بازرگان ی آمریکا)، با محور قراردادن ایده دموکراسی در جهان اسلام، درک و فهم خود را از دموکراسی با تعریف و تمجید از حاکمان مراکش، بحرین، عمان، قطر، کویت، اردن و عربستان سعودی و همزمان چوب زدن به رهبران فلسطین که مانع و سد راه اصلاحات دموکراتیک هستند، به نمایش نهاد.

چند ماه پس از حمله و اشغال عراق، داعیه داران برقراری دموکراسی در این کشور بر سر عدم امکان برگزاری انتخابات عمومی در کوتاه و حتی میان مدت تأکید می‌کردند. نهاد مرجعیت شیعه به زعامت حضرت آیت الله العظمی سیستانی با صدور بیانییه‌هایی خطاب بر مردم و نگارش نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد، اعضای شورای امنیت را از اقدام خطرناک گنجاندن قانون به اصطلاح اداره عراق در قطعنامه جدید شورای امنیت و عدم برپایی انتخابات برحذر داشت. به فرمان ایشان همه مردم برای رهایی از سیطره اشغالگران در انتخابات شرکت کردند و عملاً درس دموکراسی به آمریکایی‌ها که انتخابات را غیر ممکن می‌پنداشتند دادند.

به هر حال خروج نیروهای آمریکایی از عراق، هشت سال و نه ماه و ده روز به طول انجامید، آنهم پس از این که خیالشان

از بابت محاسبه همه هزینه های جنگ و افزودن چندین برابر آن در صورت حساب تهیه شده برای مقامات عراقی و انعقاد قراردادهای سودآور تا سنوات آتی با توجیه بازسازی این کشور ویران و فروش تسلیحات کلان نه چندان خطرناک برای امنیت ملی اسرائیل به عراقیان، فتنه انگیزی، کشتار مردم و مسلح کردن گروه های شبه نظامی قومی و طایفی مخالف دولت این کشور و... آسوده گشت.

تنها چهار سال پس از اشغالگری، رسانه های آمریکایی اعلام کردند نتیجه این لشکرکشی، پانصد هزار کشته، یک میلیون مجروح و معلول، چهار میلیون آواره، پنج میلیون یتیم، یک میلیون بیوه، رقم نامعلومی بیمار روانی، میلیاردها دلار آسیب به تأسیسات زیربنایی عراق بوده است.

در زیر به سرخط برخی جلوه های دموکراسی و تحقق آن در عراق به صورت گذرا اشاره می شود:

○ «ژنرالها، بجز آتش زای و حاوی فسفر سفید را دوست دارند. این بجز اثرات روانی شدید و شوک و وحشت بر دشمن وارد می کند.» راندولف آلز، سرهنگ نیروی دریایی آمریکا، ۵ اوت ۲۰۰۳.

○ «آنها (عراقیان) همانند سگ هستند و اگر بجوای آنها را چیزی بالاتر از سگ فرض کنی، کنترل خود را بر آنان از دست می دهی.» ژنرال جفری میلر، گفت و گو با بی بی سی، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۴.

○ «ما به عراقی ها کمک می کنیم تا

عراقی یکپارچه، آزاد و آرام در داخل و در کنار همسایه های خود بسازند... دولتی که به حقوق مردم عراق و حاکمیت قانون پایبند است؛ و این راهی است که به دموکراسی ختم می شود.» کاندولیزا رایس، مشاور وقت امنیت ملی آمریکا، ۴ آوریل ۲۰۰۳.

○ «به ما آموزش دادند تا زندانی را به مدت سه روز در سلول انفرادی بدون لباس، حق دستشویی یا استفاده از آب جاری و بدون هیچ پنجره یا تهویه ای نگه داریم.» یکی از مقامات آمریکایی زندان ابوغریب.

○ «گاهی برخی مسائل اتفاق می افتد... آزادی اینها را هم دارد.» دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، ۱۱ آوریل ۲۰۰۳.

○ «کتک زدن وحشیانه، ایجاد حالت خفگی در زندانی، برهنگی اجباری، تهدید به وسیله سگ ها، مواجهه زندانی با گرما یا سرما، بی خوابی، آویزان کردن از دست ها، فروکردن سر در آب تا حد غرق شدن، سوزاندن بدن، کتک زدن با شلاق و کابل، آزار جنسی، محدودیت آب و غذا، زخم زدن بر بدن با ابزار تیز، قراردادن زندانی در معرض سرو صدای غیر قابل تحمل، شوک الکتریکی، استرس طولانی، تهدید به مرگ...» گزارش گروه ژنرال میکولاشک، ژنرال ریدر، ژنرال جورج، و سرهنگ هرینگتون از زندان ابو غریب.

○ «چیزی که تاکنون در عراق اتفاق افتاده تنها آزار زندانیان بوده است.

به نظر من آزار زندانیان با شکنجه آنها متفاوت است ... من آنچه را که اتفاق افتاده شکنجه نمی دانم.» دونالد را مسفلد، وزیر دفاع آمریکا، ۴ مارس ۲۰۰۴.

○ «می‌رویم و مردم را می کشیم، من موفقیت را در ادامه کشتار نیروهای دشمن می دانم.» کاپیتان نیروی دریایی، آندرودل گوادیو، انتشار خاطرات در ۵ ژوئیه ۲۰۰۶.

○ «ما به عراقی‌ها کمک می کنیم تا عراقی مرفه و آزاد بسازند.» بوش، رئیس جمهوری آمریکا، ۱۷ مارس ۲۰۰۳.

○ «هر خلاقی که فکر می‌کنید در عراق اتفاق افتاده است.» ژنرال ویلیام مک کوی، گزارش، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۶.

## بیداری اسلامی تمایز یافته الگوی لیبرالی به موازات مدل اسلامی

○ ابراهیم متقی  
استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه  
تهران

تحولات سیاسی خاورمیانه، نمادهایی از هویت‌یابی اسلامی را منعکس می‌سازد. کشورهای خاورمیانه به سال ۲۰۱۱ م با بحران‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی روبرو شدند. بحران‌های یاد شده را می‌توان بخش‌هایی از واقعیت در حال تحول کشورهای اسلامی دانست. کشورهای که گروه‌های اجتماعی آن تلاش دارند تا با اقتدارگرایی سیاسی - ساختاری، هژمونی ایالات متحده و توسعه طلبی اسرائیل در خاورمیانه مبارزه نمایند. تحقق چنین اهدافی بر اساس یک مدل سیاسی به انجام نمی‌رسد. هر کشوری دارای زیرساخت‌های فرهنگی منحصر به فردی است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت کنش سیاسی در لیبی، مراکش، مصر و بحرین به یکدیگر همگون و هماهنگ باشد.

شکل‌گیری بیداری اسلامی زمینه‌های لازم برای طرح رویکردهای متفاوت تحلیلی درباره ماهیت تحولات در خاورمیانه را فراهم آورده است. برخی از تحلیلگران بر

این اعتقادند که تحولات خاورمیانه نمادی از انقلاب‌های رنگی امریکا محسوب می‌شود . آنان نقش نظامیان و نیروهای امنیتی در تحولات سیاسی خاورمیانه را برجسته می‌سازند . افرادی که دارای چنین رویکردی هستند در صددند تا نشان دهند که تغییر در نخبگان سیاسی بدون دگرگونی در ساختار، هیچ گونه مطلوبیت سیاسی و امنیتی ندارد . گروه دوم بر این اعتقادند که، در خاورمیانه گروه های لیبرال از جایگاه بیشتری برای نقش آفرینی سیاسی و امنیتی برخوردارند . گروه سوم بر نقش نیروهای اسلامی تأکید دارند . آنان بر این باورند که اسلام‌گرایان محور اصلی تحول در خاورمیانه می‌باشند .

در این مقاله تلاش می‌شود تا از الگوی پیوند استفاده شود . شاخص های الگوی پیوند بر این موضوع تأکید دارند که هرگونه تغییر سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه می‌تواند آثار خود را در ارتباط با رشد اسلام‌گرایی منعکس سازد .

هرگاه در جامعه اقتدارگرا، دگرگونی سیاسی و اجتماعی ایجاد شود، در آن شرایط زمینه برای نقش آفرینی نیروهای اسلامگرا نیز فراهم خواهد شد. بنابراین اسلامگرایی را می‌توان به عنوان محور اصلی تحولات اجتماعی در خاورمیانه دانست هر چند طیف‌های مختلف در خاورمیانه به ایفای نقش اجتماعی مباردت نموده‌اند، اما باید بر این موضوع تأکید داشت که فرایندهای اجتماعی خاورمیانه به سوی بازتولد اندیشه‌های هویتی در حال گذار می‌باشد. بنابراین ممکن است نیروهای اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی مختلفی در روند تحولات خاورمیانه ایفای نقش نمایند، اما واقعیت آن است که تحقق چنین اهدافی بدون توجه به فرایند در حال تکامل موج‌های بیداری اسلامی در خاورمیانه نمی‌تواند به نقش‌آفرینی مباردت نماید.

## نگاریدن تاریخ نوین در گذرگاه انقلاب

○ عادل عباد  
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی یمنی

حدود یک سال از طغیان عمومی گسترده ملت یمن در فوریه سال ۲۰۱۱ م می‌گذرد. تاریخ گذشته و معاصر یمن کمتر شاهد یکپارچگی گسترده و وحدت کلمه یمنیان بوده است که در رویدادهای اخیر شاهد آن بودیم. میزان مشارکت مردمی و طبقات مختلف و قشرهای گوناگون بدنه جامعه که در قیام حاضر شدند بی سابقه بود. انقلابی که سهامداران آن مردم یمن در جای جای این کشور بودند، از شهر «صعده» در شمال، تا شهر «عدن» در جنوب، از شهر «حدیده» در غرب، تا شهر «مهره» در مشرق را شامل شد. انقلابی که ملت یمن با برآمدن آن مبادرت به نگارش تاریخ جدید خود نموده‌اند.

قیام ملت، کرامت و عزت را به یمنیان که در سال ۱۹۹۰ (یمن شمالی و جنوبی) با هم متحد شده بودند به آنان بازگرداند. رژیم علی عبدالله صالح در بیش از دو دهه گذشته هویت ملی یمنیان را استحاله و مسخ کرد و کشور یمن را به یکی از فقیرترین و وابسته‌ترین نظام‌های عالم تبدیل کرد. فساد در ابعاد مختلف آن در این سرزمین بیداد می‌کند. رئیس‌جمهوری، خانواده، و مقربان دستگاه دولتی اش در تکاثر و مال‌اندوزی و پر نمودن حساب‌های

بانکی‌شان به قیمت تاراج ذخایر ملی و چوب حراج نهادن بر آن از هیچ اقدامی دریغ نوزیدند؛ این همه در حالی است که اکثریت ملت در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بیسوادی اقصی نقاط کشور را در نوردیده است.

بررسی، تأمل، و تدقیق در انقلاب یمن در سه محور مهم مورد توجه قرار می‌گیرد: **یکم؛** هدف‌هایی که در انقلاب مطمح نظر واقع شد و به ثمر نشست؛ همچنین هدف‌های نشانه‌گذاری شده که تا کنون برآورده نشده است.

**دوم؛** حضور فعال و مشارکت گسترده و مؤثر زنان یمنی در انقلاب مسالمت جویانه جوانان یمن که در تمامی مراحل دشوار و تنگناهای انقلاب طی یک سال اخیر شاهد آن بودیم که در طول تاریخ کهنسال یمن بی‌سابقه بوده است و جلوه‌ای از بیداری اسلامی به شمار می‌آید.

**سوم؛** گام پسین، قیام نهادهای مدنی که افشاگر و رسواکننده فساد نظام حاکم و سرکوب جنایتکارانه آن بود.

## شیعیان و بیداری اسلامی

○ ماجد غماس\*  
نماینده مجلس اعلاي اسلامي عراق در ایران

بیداري اسلامي که چندي است شاهد و ناظر آن هستیم بیداري اکثریت خاموش است که به ظلم و استبداد «نه» گفت و در برابر ستمکاری و اشکال وابستگی با همه توان خود ایستاد و مزد مقاومت شجاعانه خود را با غلبه بر برخي طغیانگران خودکامه در کشورهای عربي دریافت کرد، و البته حاکمان دیگری در انتظار این سرنوشت محتوم هستند.

تغییر و تحولات رخ داده وضعیتی را موجب آمده است تا شماری دیگر از کشورها بر اثر بیم و نگرانی ناشی از موج آگاهی، شور و شعور سیاسی دست به اصلاحات ریشه ای و نه صوري و فرمالیستی زنند تا بقای خود را تضمین نمایند. همگان از این موضوع آگاهییم که بیداري اسلامي به آسانی به دست نیامد و خیزش های شورانگیز اخیر ره آورد بذرهایی تاریخی، اجتماعی، و سیاسی است که با الهام از شریعت محمدی (ص) شاهد به بار نشستن و شکوفایی آن هستیم؛ لیک پرسش کلیدی فراروي ما این است که آینده چگونه رقم خواهد خورد و روزها، هفته ها، ماه ها و

---

\* ممثل المجلس الاعلی الاسلامی العراقي في ایران.

سال هاي آتي چه رویدادهایی را ثبت خواهد کرد.

با نگاه ژرف بینانه به آسانی می توان به دست اندازها، موانع سخت و چالش های پیش روی قیام های اخیر پی برد. در فراز و فرودها و چم و خم های تغییر و تحولات در کشورهای عربی، رقابت طیف های فکری و جریان های سیاسی شدیدتر از پیش ادامه دارد. در گستره های شمال آفریقا که انقلاب در آن روی داد بیش از هر وقت و زمان حساس دیگری این مصاف نفس گیر به چشم می آید. هر يك از جریان های فعال حاضر در صحنه در تلاش به دست گرفتن سکان هدایت کشور است و نسخه خود را برای خروج از بن بست تجویز می کند.

با امعان نظر به اتفاقات به وقوع پیوسته و واقعیت های امروز منطقه سه جریان فعال حاضر در این رویدادها را می توان از این قرار برشمرد:

۱. جریان سلفی و وهابی، با پشتیبانی عربستان سعودی.

۲. جریان اخوانی، با حمایت ترکیه.

۳. جریان لیبرالی که جاپای قومیت رو به افول نهاده عربی نهاده است. رویکرد حاملان این تفکر و گفتمان فکری - سیاسی به طور عام دنیای غرب و به شکل خاص آمریکاست. اما در زمانه بیداری اسلامی تماشاگه پیدایی، رشد و بالندگی سریع و قدرتمند جریان شیعی در منطقه هستیم که به گونه موج بزرگ اندیشه گری و عصیان سیاسی آشکارا سربلند کرده و قد و قامت کشیده است و داعیه دار ثبت معادله

جدیدی در رقابت های منطقه ای است؛ و از  
قضا این برآمدن و نمو در این برهه  
مهجور و مکتوم مانده و تبعیض های  
غیرقابل بخششی بر آن روا داشته می شود.  
با عنایت به جمیع جهات ضرورت ایجاب  
می کند با خردمندی، مطالعه دقیق، بررسی  
و هوشیاری نسبت به ترسیم استراتژی  
تعامل شیعیان با جریان های اساسی و  
فائق در کشورهای که سر به شورش نهادند  
ترسیم شود.

## فکر دینی و اندیشه سیاسی راشدالغنوشی در دولت جدید تونس

○ نبیل حموده  
روزنامه‌نگار و فعال تونسی

در این مقاله اشاره خواهد شد که اندیشه سیاسی دینی راشدالغنوشی عبارت از تلفیقی از سنت گرایی، بنیادگرایی و نوگرایی است. ایشان در عمق تفکرات خویش سنت گرا می‌باشد و اگر بستر و شرایط برای او فراهم شود همان اسلام اولیه را اجرا می‌کند، اما وقتی به جامعه می‌نگرد که این گونه نیست، به عمل‌گرایی متوسل می‌شود و یک شخصیت سیاسی، پراگماتیک و انعطاف پذیر از خود نشان می‌دهد.

در حقیقت غنوشی به این نتیجه رسیده است که نمی‌توان همیشه به دنبال آرمان بود و واقعیت‌ها را به گوشه نهاد چرا که در این صورت از واقعیت‌های جامعه دور خواهد ماند؛ همان‌گونه که اکنون سی سال جنبش النهضه از حضور مستقیم در جامعه محروم بوده و نتوانسته افکار خود را بیان کند و پیروزی النهضه در انتخابات مجلس مؤسسان — اکتوبر ۲۰۱۱ — نتیجه اعتقاد مردم به خط مشی النهضه نیست بلکه تمایل مردم به حمایت از مظلومین می‌باشد. و در واقع طرفداران النهضه بیشترین افرادی هستند که ظلم و ستم بر آنها تحمیل شد، چه در زمان دولت حبیب

بورقیبه و چه در زمان ریاست  
زین العابدین بن علی .  
در بخشی دیگر از مقاله اشاره می شود که  
غنوشی پذیرفت که در عمل و حرکت خویش  
بازنگری کند، و از اینجا نوگرایی در  
النهضه آغاز شد چنانچه می بینیم خانم سعاد  
عبدالرحیم عضو دف تر اجرایی جنبش النهضه و  
همچنین همسر سمر دیلو وزیر حقوق بشر و عدالت  
انتقالي و سخنگوي دولت نیز، هیچ کدام با  
حجاب نیستند . برای النهضه اصل جهش و حرکت  
به سوی تشکیل جامعه مدني مبتني بر اصل  
آزادي هاي عمومي عدالت و توسعه است، که در  
گفتار اینجانب توضیح کامل درباره آن داده  
خواهد شد .

## انقلاب‌های عربی و تشویش رسانه‌ای

○ محمدحسن البحرانی\*  
شبکه جهانی العالم

مبحث عمده‌ای که ضروری است بدان توجه شود نقش پارادوکسیکالی که نهادهای رسانه‌ای غربی و عربی در گمراه کردن افکار عمومی و نشانی غلط و عوضی دادن به مردم درخصوص سرنگونی برخی رژیم‌ها و ماندگاری بعضی دیگر ایفا کردند، آنهم از رهگذر کوچک شمردن شعور مردم و تلاش در آفرینش افکار عمومی جدید به منظور هدایت آن به سیاست‌های راهبردی که خدمتگزار منافع و مصالح گردانندگان آن است.

یکی از شیوه‌هایی که در این راه بکار گرفته شد بزرگنمایی شماری از وقایع و کوچک نمودن برخی دیگر است. نمونه برجسته رویکرد به این رفتار متناقض را می‌توان درخصوص دو کشور عربی و مسلمان سوریه و بحرین مشاهده کرد که حکایت از آن دارد حکمرانان دلداده و گوش به فرمان آمریکا در منطقه بزرگ‌ترین و بیشترین نقش را در تشویش و به‌انحراف کشاندن افکار عمومی ملل عالم، به ویژه منطقه استراتژیک و حائز اهمیت خاورمیانه ایفا می‌کنند تا نبض خبررسانی جهت دار،

---

\* مدیر سابق دفتر شبکه الجزیره در ایران.

یکجانبه و مغرضانه را به دست گرفته  
درخوش خدمتی به اربابانی که مایل به  
ماندگاری آنان بر سر قدرت هستند، تام  
و کمال بکوشند.

اتخاذ این رویداد از دهه پایانی سده  
گذشته که به عصر انفجار اطلاعات سرشناس  
شد در نظر گرفته شد و در سنوات اخیر  
با شدت و وسعت فزونی تداوم یافت .

هدف، بمباران خبری مخاطبان رسانه ای،  
تغذیه مسموم آنها از منابع مورد نظر، و  
جهت دادن به نظرگاههای آنان، و سرانجام  
سلطه برعالم، از خ لال شبیه سازی گونه ای  
فارنهایت و این که خوراک خبری غیر از  
آنچه این قبیل رسانه ها مایل به تزریق  
آن به عامه هستند، داده نشود که از  
قضا این دیکتاتوری و سانسور خبری،  
هولناکترین و خوفناک ترین نوع تحدید  
آزادی های مدنی محسوب می شود.

## دگردیسی در جهان عرب

○حجت‌الله جودکی  
کارشناس ارشد سازمان فرهنگ و ارتباطات  
اسلامی

بدون تردید هیچ رخدادی بی‌مقدمه و علل و اسباب شکل نمی‌گیرد اما دلایل دور و نزدیک دارد، که با بررسی دقیق کشف می‌شوند. جهان عرب در سال ۲۰۱۱ میلادی شاهد انقلاب‌های گسترده ای بود که بخش وسیعی از آن را فرا گرفت و همچنان ادامه دارد. این انقلاب نشان داد که دگردیسی اساسی در اندیشه و رویکرد افراد و جریان‌های موجود در جهان عرب پدید آمده است.

اینکه ملتی تصمیم بگیرد به خودکامگی نه گفته و هزینه آن را هم پرداخت کند و برخواسته‌های خود در قالب انتخابات آزاد، مبارزه با فساد، بیکاری و استبداد پافشاری نماید تا جایی که احزاب و گروه‌های شناسنامه دار موجود اعم از اسلامگرا، سکولار، ملی‌گرا و ... هم برای رسیدن به قدرت با مطالبات مردم همسو شده و مواضع فکری و اجتماعی خود را تعدیل کنند، نشانگر دگردیسی عمیقی است که با مطالعه و نقد و بررسی دیگر انقلاب‌ها، عملکرد آنها و عبرت گرفتن از سرنوشت ایشان حاصل آمده است.

**واژگان کلیدی:** جهان عرب، دگردیسی، انقلاب، اسلامگرایی.

## تشیع، نگرش پیشرو در بیداری اسلامی عراق جدید

○ هادی انصاری\*  
حقوق، نویسنده، مترجم؛ کارشناس مسائل عراق

بیداری اسلامی یک حادته و رویداد بشمار نمی‌آید، بلکه در این راستا یک روند است. در طول سده گذشته آنچه که تحولات در طول قرن بیستم در جهان عرب و جهان اسلام رخ داد، برگرفته از ایدئولوژی‌های گوناگون بود. اما امروز آنچه که اتفاق می‌افتد، ندای الله اکبر و نماز جماعت‌های خیابانی و ظواهر اسلامی است.

بیداری اسلامی را ما در دو شاخه مورد بررسی قرار می‌دهیم:  
الف. عوامل مشترک  
ب. عوامل اختصاصی  
در این بحث به عوامل اختصاصی کشورهای اسلامی کاری نداشته فقط قصد دارم که درباره عراق صحبت کنم.  
حوزه خلیج فارس اساساً یک حوزه شیعی به‌شمار می‌آید تا یک حوزه سنی که در بحث خود این مطلب را به اثبات خواهم رسانید.

از سوی دیگر وقوع انقلاب اسلامی در ایران به تعبیر محمد حسنین هیکل مانند گلوله توپی بود که هزار و چهارصد سال

---

\* جراح فك و صورت؛ و فرزند آیت‌الله شهید شیخ احمد انصاری.

پیش شلیک شده و امروز در سکوت بی دینی جهان اسلام فرود آمده است . این انقلاب بدون تردید، آثار گسترده ای را در حوزه فکری و تمدنی جهان اسلام در طول بیش از سه دهه گذشته به وجود آورده است .

محاکمه و اعدام صدام، و سپس محاکمه مبارک یکی از این پدیده ها و تأثیرات به شمار می آید . در این بحث به عوامل اختصاصی موجود در جامعه عراق اشاره کرده و دست آوردهای آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم .

عراق پیش از بعثیان، عراق هنگام حکومت بعثیان و عراق پس از بعثیان، سپس موفقیت چشمگیر دو انتخابات عراق و ترکیه در به قدرت رسیدن اسلام گرایان در این دو کشور و تأثیر به سزایی که بر ملتهای اسلامی منطقه گذارد .

در پایان می توان گفت که امور جهان تشیع هرچند به عنوان یک اقلیت در برابر جهان تسنن مطرح است لیکن برخلاف گذشته که به عنوان ضعف تشیع از آن یاد می گردید به یک کیان شیعی معتبر و قدرتمند تبدیل گردیده و توانسته است به عنوان نهادی مستقل در جهان اسلامی قدم علم نماید .

## نهضت بیداری‌گری اسلامی و توطئه‌های آمریکا و حاکمیت‌های دست‌نشانده و مرتجع در جهان عرب

○ مهدی البحرانی  
کارشناس مسائل بحرین

جهان عرب در سال گذشته شاهد انفجار بیدارگری اصیل اسلامی برضد حاکمیت‌های استبدادی هواخواه آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه بوده است. از بدو شروع این خیزش‌های مردمی شاهد دسیسه‌گری‌های سیاسی و رسانه‌ای اردوگاه غرب به سرکردگی آمریکا، انگلیس، و فرانسه از یک سو، و شیوخ دست‌نشانده آنان، خاندان‌های قبیله‌ای حکومتگر آل‌سعود، آل‌ثانی و آل‌زاید و شبکه‌های خبری آنان در کشورهای عربی بوده است. سعی وافر آنان بر آن بود تا مسیر و جهت حرکت در خیزش‌های مردم مصر، یمن و بحرین را با حمایت مالی، رسانه‌ای و سیاسی از نیروهای سلفی و تکفیری به سمت کاشت بذر تفرقه و فتنه‌های طایفی و مذهبی برای انحراف جریان بیداری اسلامی در مسیر خود به آنچه موردنظر و مطلوب آنان است سوق دهند؛ طریقی که به قطع ید استکبار جهانی و عوامل مستبد وابسته آن در این گستره زرخیز استراتژیک جهان می‌رسد.

بر اساس خبرها و گزارش های موجود، عربستان سعودی و قطر تاکنون حدود سی میلیارد دلار هزینه کردند تا انقلاب های عربی را به جهت گیری هایی که خود مایلند منحرف نمایند و آن را از ماهیت انقلابی و سمتگیری های ضد استبدادی و ضد استعماری به جنبش های اجتماعی و اقتصادی خنثی شیفته دهند. نهضت هایی که تنها به انجام اصلاحات روبنایی ظاهری سیاسی بسنده نمایند.

بی شک بیداری اسلامی حرکتی خلق الساعه و مولود تحرکات امروز و دیروز نیست بلکه ریشه های تاریخی عمیقی دارد و هزینه های فراوانی که برای تحقق آن در سنوات و دهه های گذشته پرداخت شده به صورت متراکم انرژی خفته کنونی را منبعت شده است؛ هرچند ماجرا به اینجا ختم نمی شود و منطقه و جهان آبستن حوادث شگفت انگیز چندی است.

اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بر مبنای خط مشی نظام سرمایه داری دیگر جذابیتی برای امت اسلام ندارد. جالب است که برخی رژیم های عربی در حالی داعیه دار و پیشقراول ضرورت انجام اصلاحات در کشورهای عربی منطقه شده اند که خود بزرگ ترین سد راه وقوع اصلاحات اصیل بوده و ملت هایشان از حداقل آزادی های سیاسی بی بهره اند. رژیم هایی که چوب حراج به سرمایه ها و ذخایر استراتژیک نفت و گاز خود زده آن را به ثمن ناچیزی نثار قدم سیاستمداران و نظامیان امریکا نموده تا چند صباحی

بیشتر برای خوش خدمتی و عیاشی بر سریر قدرت باقی مانند . بر اثر این بیداری غرورانگیز و مقدس، دیوار ترس فروریخت و همین امر عامل موفقیت های بعدی شد .

- ملت هایی که حدود دو قرن فرمانروایان بی ریشه و تجمیلی را ناگزیز تحمل کرد
- پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیلی محکمی بود که برگونه غرب نواخته شد و بهار بیداری عربی و اسلامی از همین جا کلید خورد .

در ماه های اخیر کشور بحرین شاهد بزرگترین قیام در طول تاریخ خود بوده است . حرکت ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ در امتداد جنبش های پیشین برآمده در ده های گذشته این کشور رقم خورد . در این خصوص می توان به ویژگی های برجسته این انقلاب سراسری به اختصار اشاره کرد .

۱. مشارکت عموم مردم در نهضت و کشور شمولی آن که آحاد مختلف ملت و قشرهای مختلف را دربر می گیرد .

۲. ماهیت مسالمت آمیز آن و پرهیز از خشونت و توسل به سلاح و دعوت از اجنبی . این نهضت از آغازین روزهای شروع در میدان لؤلؤه (میدان شهدا) تا کنون همین خط ثابت اصیل را تعقیب کرده است . حتی حضور اشغالگران نظامی سعودی و اماراتی تحت پوشش و عنوان نیروهای سپر جزیره موفق نشد حرکت مردم را از اصول فوق الأشعار به مسیرهای دیگر منحرف سازد .

۳. بحرین کشوری مستقل نیست، یک پادشاهی مستبد و مطلق العنان که مقدرات

آن در واشنگتن رقم می خورد . یک دولت دست نشانده تمام عیار آمریکایی و بی اراده که تابعی از متغیرهای دیگری است. از این رو تصمیم گیرندگان این کشور قادر نیستند به حداقل های متعهد در برخی گفت و گوها و رایزنی های خود با برخی مخالفان بدون کسب اجازه از اربابانشان پایبند باشند .

انقلاب ملت بحرین دستاوردهای گرانبهائی چندی داشت که بررسی زوایای مختلف روشن و تاریک آن حائز بسی اهمیت است . انقلابی ناتمام که همچنان با قدرت تداوم دارد و چراغ آن خاموش شدنی نیست .

## نقش تاریخی قاهره در آفرینش جنبش‌های عربی و اسلامی

○ محمدرضا بهزادی  
پژوهشگر تاریخ معاصر

در بررسی ابعاد مختلف شکل‌گیری یک خیزش مهم و تاریخ‌ساز، به نظر می‌رسد نمی‌توان نقش محوری محل حدوث آن را از نظر دور داشت. برای مثال در نهضت عظیم ملت ایران که به یقین آن را بزرگ‌ترین انقلاب مردمی بیست‌قرن گذشته تاریخ باید نام نهاد، نقش شهر مقدس قم به عنوان جایگاه شکل‌گیری و آغازین این انقلاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با آغاز جنبش‌های عربی - اسلامی در آغاز سال ۲۰۱۱ میلادی و گسترش آن از کشور تونس به دیگر کشورهای عربی، بیش از هر زمان دیگر چشم جهانیان به کشور مصر (پایتخت سیاسی جهان عرب) و پایتخت آن قاهره و میدان «التحریر» (آزادیبخش) دوخته شد. جرقه‌ای که توسط محمدالبوعزیزی در تونس مشتعل گردید، به سرعت تا دروازه‌های قاهره پیش آمد و منجر به انقلاب عظیمی گردید که به زودی به نظر می‌رسد تغییرات بسیار اساسی و شگفت‌آوری را در سیمای خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد نماید و این بخش مهم و پرخبرع‌الم را در حالی که از خواب سنگینی برمی‌خیزد دگرگون نماید. سؤال اصلی در این میان این است که آیا مصر می‌تواند مانند گذشته نقش موتور محرکه جهان عرب را به خوبی ایفا

نماید؟ این پرسشی است که به نظر می رسد هنوز نمی توان پاسخ درستی برایش یافت . همه چیز به آینده بستگی دارد . اگرچه مواضع اتخاذ شده توسط انقلابیون اسلام گرا و پیروزی قابل توجه ایشان در انتخابات پارلمانی نوید اصلاحات اساسی را در پیکرة رژیم گذشته به گوش می رساند، اما نمی توان به درستی برخی مواضع آینده را پیش بینی نمود . در این برهه موضع مهم برخورد خصمگینا سیونالیستی با رژیم اشغالگر قدس، برخلاف رژیم های گذشته قاهره که همواره مصر را به جزیره ای امن برای اشغالگر صهیونیست و کمپ دیوید و شرم الشیخ را برگ برنده ای برای آن متجاوز غاصب تبدیل کرده بودند، جنبش توانست به حضور چندین دهه ای سفارتخانه رژیم منحوس صهیونیستی در قاهره، شهری که یادآور و نماد مبارزات جهان عرب با اسرائیل است، پایان بخشد . و این گونه ملت بیدار مصر کانون ضربه به منافع ملت مسلمان جهان را در قاهره و لانه جاسوسی ایشان را ویران و زنگ خطر را برای دیگر متحدان غربی پسمانده های دولت نامبارک به صدا درآوردن د . حتی درباره سیاست خارجی مصر نیز می توان امیدوار بود که در اثر انتخاب خط مشی صحیح بتوان روابط را با دیگر کشورهای قدرتمند خاورمیانه بهبود بخشید . این موضوع در روابط بین ایران و مصر حائز اهمیت گردید و کشوری که روزگاری مقامات سیاسی داخلی و دیپلمات های خارج نشین آن به سخنگویان دستگاه دیپلماسی غرب تبدیل شده بودند و حتی برخی از ایشان موضع خصمانه تری نسبت به جمهوری اسلامی ایران، شدیدتر از اربابان غربی خویش اتخاذ می کردند، اکنون پس از تبادل گروه های

دیپلماتیک در آستانه بازگشایی مجدد  
 سفارتخانه ها در تهران و قاهره قرار دارد .  
 این امر نیز مانند هم زمانی پیروزی انقلاب  
 مصر با سالروز انقلاب شکوهمند اسلامی ایران،  
 امری اتفاقی نبوده و آن را می توان از  
 الطاف خفیه الهی به شمار آورد . با بررسی  
 تاریخ مصر و به خصوص شهر قاهره که خاستگاه  
 امپراطوری عظیم فاطمیان و از برکشیدگان و  
 مستح دثات ایشان به شمار می رود، می توان به  
 جایگاه محکم و متقن عقاید و تفکرات ریشه دار  
 دینی و مذهبی که برگرفته از تعالیم دین مبین  
 اسلام و پیامبر رحمت (صلوات الله علیه ) و اهل  
 بیت بزرگوار آن حضرت (سلام الله علیهم اجمعین)  
 نزد مردم آن سرزمین، با تمام کوششی که چند  
 صدسال است برای محو آن وجود دارد، پی برد .  
 مسجد بزرگ الازهر که به نام صدیقه طاهره،  
 حضرت زهرا سلام الله علیها ساخته شده و یا  
 وجود دفنای فراوانی از اهل بیت (سلام الله  
 علیهم اجمعین ) در قاهره به طور عام و مقام  
 رأس الحسین (ع) به طور خاص نشان می دهد که نفوذ  
 عقاید آزادی خواهانه شیعی در چه جایگاه  
 رفیعی قرار دارد و چگونه عامل این خیزش  
 بزرگ بوده است . عامل پیوند دیگری که نهال  
 ایرانی آن در بوستان قاهره غرس گردید و  
 اکنون درخت تناوری گردیده، مجمع دارالتقرب  
 اسلامی است که با فتوای تاریخی شیخ محمود  
 شلتوت، وارد مرحله جدیدی از حیات خود در  
 مصر و جهان عرب گردید .  
 اما پرسش دیگری در این میان وجود دارد  
 که چرا قاهره در طول تاریخ هزارساله اش  
 همواره کانون آزادی خواهی و تفکرات آزادی طلبی  
 بوده است؟ چه عامل و یا عواملی در این

قضیه نقش دارند؟ به نظر می رسد نمی توان در يك بحث کوتاه به این پرسشها پاسخ داد اما باید اشاره کرد که آنچه امروز از قاهره مشاهده می شود و یا حتی در گذشته از سیمای آن قابل دیدن بوده، دو وجه متفاوت و کاملاً متضاد دارد. وجه اسف بار دیگری به دور از زیبایی موسیقی ها و صنعت سینمای قاهره . شهری که از مهم ترین مکان های گردشگری عالم به شمار می آید اما به فاصله کمی از مراکز بزرگ خرید و ساختمان های تجاری و کافه ها و کازینوهای مجلل محله الزمالک (زمالك) که خود به عاملی برای خشم ملت مسلمان مصر تبدیل شده اند، حدود چهار میلیون نفر به طور دائمی در قبرستان های اطراف آن که در حومه شهر قرار دارند زندگی می کنند! فقر و فلاکت مردم قاهره و دیگر مصریان، در نزدیکی یکی از بزرگ ترین بناهای عالم و تنها بازمانده عجایب هفت گانه جهان و مهم ترین قطب توریستی شمال آفریقا، اهرام جیزه را نمی توان امری ساده و طبیعی شمرد. این مطلب جز با تضعیف این مردم و خالی کردن جیب ایشان و فروش سرمایه هایشان به صهیونیست ها امکان پذیر نیست و نبوده! مطلبی که به درستی مردم قاهره از هر صنف و قشری را که از این فشارها و فسادهای افسارگسیخته مالی و اجتماعی سردمداران و طبقه خاص حکومت به تنگ آمده بودند وادار به قیام بر مبنای اصل مهم اسلام و دین کرد. باید اذعان کرد که این همان شهری است که، نه در دوران فاطمیان و ایوبیان و یا مماليك، که در امروز عالم ملت ها را مقهور خویش کرده است و ندای اسلام خواهی و آزادی طلبی و تلاش برای شکستن فقر

و تبعیض که روزگاری با شعارهای مختلف از زبان شیوخ الازهر در انقلاب اول قاهره در سال ۱۷۹۸م و کسانی چون شیخ عبدالله شرقاوی، سید جمال الدین اسدآبادی، رافع رفاعة طهطاوی، مصطفی کامل پاشا، عربی پاشا، سعد زغلول و حسن البنا شنیده می شد، با آغاز بیداری اسلامی در جهان عرب، بار دیگر چون سده های پرشکوه گذشته در خیابان های قاهره و میدان التحریر از گلوی آزادی خواهان مصری طنین افکن شده است.

المؤتمر الدولي

## للمصحة الإسلامية

دراسة التطورات الأخيرة في  
البلدان العربية و الإسلامية  
من شمال أفريقيا الى الشرق  
الأوسط

الثلاثاء و الأربعاء ١٧ و ١٨  
كانون الثاني ٢٠١٢م  
٢٣ و ٢٤ صفر ١٤٣٣ق/ ٢٧ و ٢٨  
دي ١٣٩٠ش